

سومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی فردا آغاز می‌شود



سومین فستیوال بین‌المللی نمایش عروسکی در تاریخ ۲۱ شهریور ماه در تهران افتتاح خواهد شد در این فستیوال که به مدت ۵ روز ادامه خواهد داشت، ۸ گروه نمایش عروسکی از کشورهای هندوستان، پاکستان، ژاپن، سوئیس،

خواهند داشت. در طول برگزاری سومین فستیوال بین‌المللی عروسکی، هارت موت، تاف از آلمان- جورج اسپایت از انگلستان و خانم جی. بی. ویرمانی از هند و غریبپور و دکتر قطب‌الدین صادقی از ایران سخنرانی خواهند نمود. ضمناً آقای رودلف شواتز مدیر مالی و لودویک کنتانیر مدیر فرهنگی جشنواره جهانی عروسکی اتریش و تنی چند از میهمانان فرانسوی و هندی در این فستیوال حضور خواهند داشت. لازم به ذکر است که در سالن فشقانی تئاتر شهر بخش سنتی نمایشهای عروسکی اجرا خواهد شد. ضمناً جدول کامل برنامه سومین فستیوال بین‌المللی عروسکی متعاقباً اعلام خواهد شد.

فرانسه- اسپانیا- لهستان و چند گروه نمایش عروسکی از ایران در سالن اصلی تئاتر شهر- سالن چهارسو- تالار هنر- سالن فشقانی، سالن شماره ۲ و فرهنگسرای بهمن اجرا

سومین جشنواره بین‌المللی نمایش

عروسکی تهران از امروز آغاز

می‌شود

تهران: خبرگزاری جمهوری اسلامی سومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی از بیست و یکم تا ۲۶ شهریور با حضور گروه‌های نمایشی از کشورهای سوئیس، اسپانیا، پاکستان، ژاپن، فرانسه، لهستان، انگلیس، هند و ایران در تهران برگزار می‌شود.

در این جشنواره که نمایش‌های آن در سالن اصلی و سالن شماره ۲ تئاتر شهر سالن چهارم و سالن فشنایی، تالار هنر، تالار

سنگلج و فرهنگسرای بهمن به اجرا درمی‌آید. نمایش‌های دو شاهزاده، از سوئیس، آقای زرد، از اسپانیا، علاءالدین و چراغ جادو، از پاکستان، تخیلات گوناگون، از ژاپن، حماسه سرایی، از فرانسه، افسانه‌های در باره یک ازدهای خوب از لهستان، سوپر سیرک استانیلی از انگلیس، و آمارسینگ راتور از هند شرکت دارند.

در این جشنواره نمایش‌های عروسکی یکی بود یکی نبود، خیمه شب‌بازی هفت خوان رستم، اصحاب سبت، زلزله در اتاق، سوگ یحیی، جی‌بی‌بی جی‌بی، بایا بزرگ و ترب، شیرین‌تر از پرواز و دادستان لطیف از ایران به نمایش درمی‌آید.

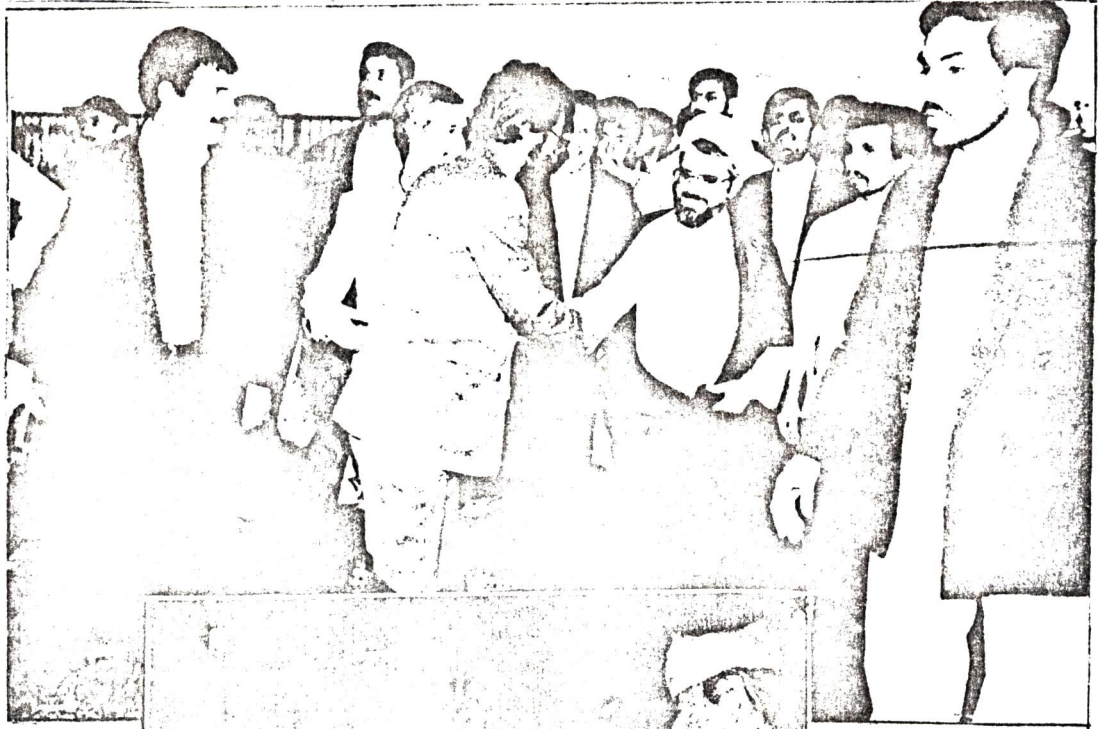
همزمان با این جشنواره که نمایش‌های آن در سه بخش ویژه گوناگون و نوجوانان، ویریه بزرگسالان و ویژه همه سنین اجرا می‌شود بخش‌های مختلف در باره نمایش عروسکی نیز از سوی صاحب‌نظرانی از ایران و ایتالیا، فرانسه، هند، آلمان، انگلیس و یوگسلاوی ارائه می‌شود.

سومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران از امروز آغاز می‌شود

سومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی از امروز تا ۲۶ شهریورماه با حضور گروه‌های نمایشی از کشورهای سوئیس، اسپانیا، پاکستان، ژاپن، فرانسه، لهستان، انگلیس، هند و ایران در تهران برگزار می‌شود.

در این جشنواره که نمایش‌های آن در سالن اصلی و سالن شماره ۲ تئاتر شهر سالن چهارم و سالن فشنایی، تالار هنر، تالار سنگلج و فرهنگسرای بهمن به اجرا درمی‌آید.

روزنامه: ...
شماره: ۱۵
تاریخ: ...
۷۰/۶/۲۱



با حضور وزیر کشور،
شهردار تهران،
سرپرست مرکز هنرهای
نمایشی و مردم
جنوب تهران:

فرهنگسرای
بهمن
افتتاح
شد

نامه‌های کوتاهی از اقدام شهرداری تهران در تبدیل کشتارگاه به فرهنگسرا تشکر کردند و یکی از خانم‌های مدعو هم درباره اینکه آیا برای ورزش خواهران در این مکان جایی در نظر گرفته شده یا نه سؤال کرد! که شهردار تهران پاسخ داد: «وظیفه ما برپایی این محل بوده و سیاست‌گذاری ورزش با تربیت بدنی است و انشاءالله آنها با همکاری مسؤولان فرهنگسرا در این زمینه اقدامات لازم را به عمل آورند.»

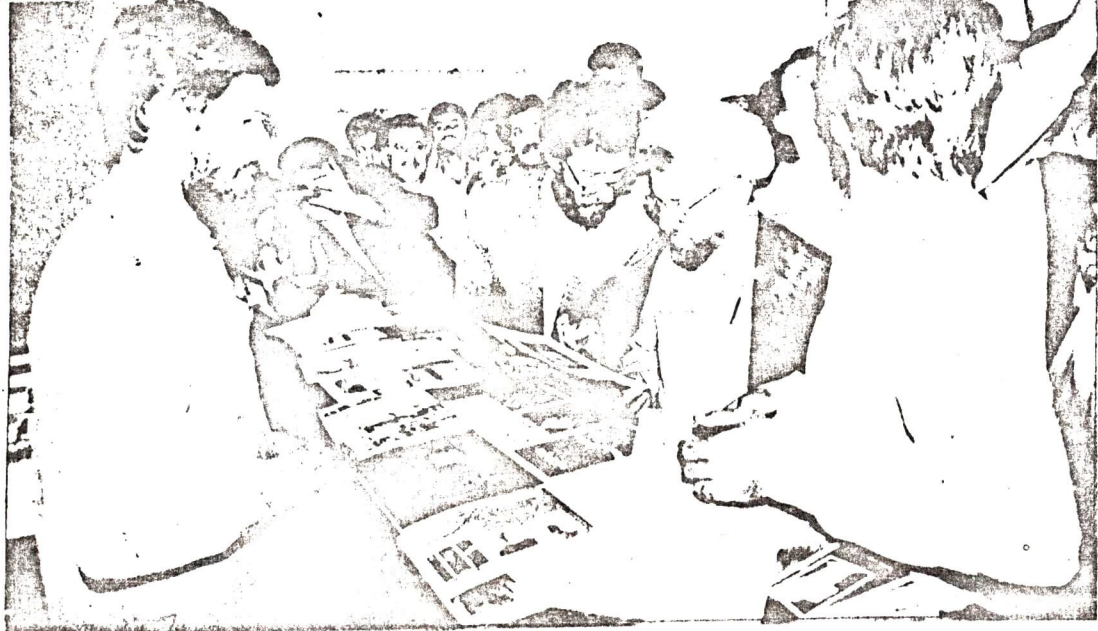
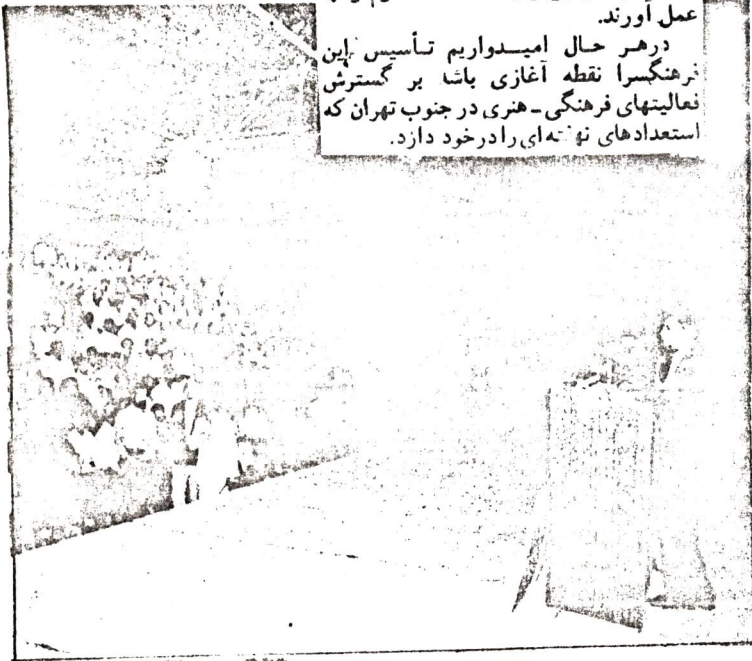
در هر حال امیدواریم تأسیس این فرهنگسرا نقطه آغازی باشد بر گسترش فعالیت‌های فرهنگی - هنری در جنوب تهران که استعدادهای نخبه‌ای را در خود دارد.

همزمان با آغاز سومین فستیوال بین‌المللی نمایش عروسکی تهران یکی از بزرگترین مراکز فرهنگی - هنری ایران افتتاح شد.

در مراسم افتتاح فرهنگسرای بهمن که در اولین روز برگزاری فستیوال بین‌المللی نمایش عروسکی انجام شد، حجت‌الاسلام «نسوری» وزیر کشور، مهندس «کرباسچی» شهردار تهران، «علی منتظری» سرپرست مرکز هنرهای نمایشی، جمعی از مسؤولان و مقامات و انبوه مردم علاقه‌مند جنوب حضور داشتند، قسمتهای مختلف فرهنگسرا مورد بازدید حضاران قرار گرفت و در پایان نمایش «بابابزرگ و ترب» نوشته و کار «بهروز غریب‌پور» به اجرا درآمد.

حضور گسترده مردم جنوب شهر تهران در مراسم افتتاح فرهنگسرای بهمن و تشکر آنان از شهردار به خاطر احداث این مرکز از جمله نکات جالب عصر پنجشنبه گذشته در فرهنگسرا بود.

به گزارش خبرنگار سرویس هنری مجله جوانان، هیچکدام از مسؤولان حاضر در مراسم سخنرانی نکردند و فقط شهردار تهران به مدت ۵ دقیقه به دعوت مردم پشت میکروفون قرار گرفت و به نامه‌های تشکر آمیز مردم پاسخ داد. عده‌ای از اهالی حاضر در مراسم با نوشتن



نخستین جشنواره سراسری تاتر کودکان و نوجوانان در همدان برگزار می‌شود

همزمان با بزرگداشت هفته دفاع مقدس نخستین جشنواره سراسری تاتر کودکان و نوجوانان کشور «امید» در ماه بهاری با شرکت ۶ گروه نمایشی در تالار فجر همدان برگزار می‌شود.

مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان همدان دیروز در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت: از ۴۳ متن رسیده به دبیرخانه این جشنواره ۶ متن پس از بازبینی برای شرکت در جشنواره مذکور انتخاب شده است. برگزاری خبرگزاری جمهوری اسلامی وی زمان

ارزیابی قرار می‌گیرد این مقام مسئول در پایان متذکر شد بر اساس تصمیم مرکز هنرهای نمایشی شهر فرهنگی تاریخی همدان بعنوان مرکز ثابت برگزاری جشنواره‌های سراسری کودکان انتخاب شده است و از این پس همه ساله جشنواره تاتر کودکان و نوجوانان «امید» در این شهر برگزار خواهد شد.

شروع این جشنواره را ۲۹ شهریور ماه جاری اعلام کرد و گفت: این جشنواره با شرکت گروه‌های نمایشی استانهای لرستان، زنجان، خراسان، خوزستان، مازندران و شهرستان قزوین بمدت یک هفته برگزار خواهد شد. وی افزود: نمایشنامه‌های شرکت کننده در جشنواره همه روزه توسط هیات داوران اعزامی از مرکز مورد

تاریخ: ۲۷/۴/۷۰

روزنامه: رسالت ۱۴۴۰



نمایش «داستان لطیف» کار ایرج طهماسب از ایران به نمایش در آمد.

سومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران به کار خود خاتمه داد

برنامه‌های جنبی جشنواره ارائه شد.

علی منتظری سرپرست مرکز هنرهای نمایشی طی سخنانی گفت در مدت برپای این جشنواره ۳۵ هزار نفر نمایشهای آن را تماشا کردند.

در ادامه این مراسم به تمام گروههای نمایشی ایرانی و خارجی شرکت کننده و کارشناسان ایرانی و خارجی میهمان جشنواره جوایزی اهدا شد. در پایان این مراسم

تهران - خبرگزاری جمهوری اسلامی:

سومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران که از چهار روز پیش کار خود را با ۲۰ نمایش ایرانی و خارجی آغاز کرد بود به کار خود خاتمه داد.

در این مراسم گزارشی از چگونگی برپایی سومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران و نحوه انتخاب و راهیابی نمایشهای ایرانی و خارجی و نیز

بیچاره عروسکها



* بر خلاف نگاه
و نظر نمایش یکی
بود یکی نبود،
در اندیشه عرفان و
عرفای وحدت گرا
و وسعت اندیش
اسلامی،
عشق پاک زمینی
نه تنها در تعارض
و تضاد با
عشق معنوی و
الهی نیست، بلکه
خود یکی از پلهای
ارتباطی نیل
به عشق حقیقی و
محبت معبود سبحان است
* آیا به راستی
در قلمرو تئاتر
عروسکی، هیچ
مرزبندی و قاعده‌ای
برای تفکیک آن
از تئاتر غیر
عروسکی نیست؟



یکی از نمایشهای روز اول سومین جشنواره بین‌المللی تئاتر عروسکی، نمایشی بود تحت عنوان یکی بود، یکی نبود، که در سالن چهارسوی تئاتر شهر به صحنه آمد. حدیث، پهلوانی و عشق، دستمایه‌ای است که پس از اجرای موفق نمایش مصر که در مصر که، در جشنواره نهم فجر، در سومین جشنواره عروسکی نیز، جانمایه نمایش یکی بود، یکی نبود قرار گرفت. و راستی را بخواهیم، این

● نمایش: یکی بود، یکی نبود
● نوشته و کار: مجید سرسنگی
● محل اجرا: سالن چهارسوی
«راه رفتن بر زمین دشوارتر از راه رفتن بر ریسمان بندبازی است»
زندگی معرکه است؛ و تماشاچی تویی. کدام راه، کدام بازی!؟

بذله اندیش به دلیل ابهام در پرداخت به این مسئله، به مزاج با خود چنین می اندیشد که نکند مبارک خود گلویش پیش دختر شاه متوفی گیر کرده که حال می خواهد به ترفندی رقیب از میدان به در کند! و اصلاً چرا مبارک صاف و پوست کنده به پهلوان نمی گوید که پریزاد عاشقی دارد؟ پهلوان نمایش نیز به دلیل ضعف در شخصیت پردازی، معجون عجیبی از کار درآمده است. او پس از کلی دلیری و خطر جدا شدن سر از تن و مردانگی، هنگامی که در می یابد ملک جمشید و پریزاد خاتون دلباخته یکدیگرند. نه تنها آنها را ترک نمی کند. بلکه با کمال تعجب و با رویه ای مغایر با شخصیت ترسیم شده وی از جانب نویسنده، حتی حاضر می شود که به کسوت ملتزمین دربار و درگاه ملک جمشید درآید! از سوی دیگر معلوم نیست که بر اساس کدام منطق نامرئی و پوشیده، وزیر غاصب سلطنت، به پهلوان اجازه می دهد تا به جنگ جانوگر موهوم برود؟ مگر وزیر نمی داند که اگر پهلوان راهی جنگ با جانوگر شود، در مقبر او با غلامی زبرتی روبرو شده، و در نتیجه حيله و تزویرش برملا خواهد شد، پس چرا به نحوی مانع رفتن او نمی شود؟ اصلاً چرا وزیر غاصب حکومت، به جای زندانی کردن ملک جمشید و یارانش، در همان دم نخست آنها را به قتل نمی رساند، تا برای همیشه از شرشان خلاص شود؟

در اجرای صحنه ای یکی بود، یکی نبود نیز مشکلات و ضعفهای بارزی به چشم می خورد. ابتدا از دکور عریض و پرمطراق نمایش بگوئیم، که به رسم عدم کارائی مؤثر و



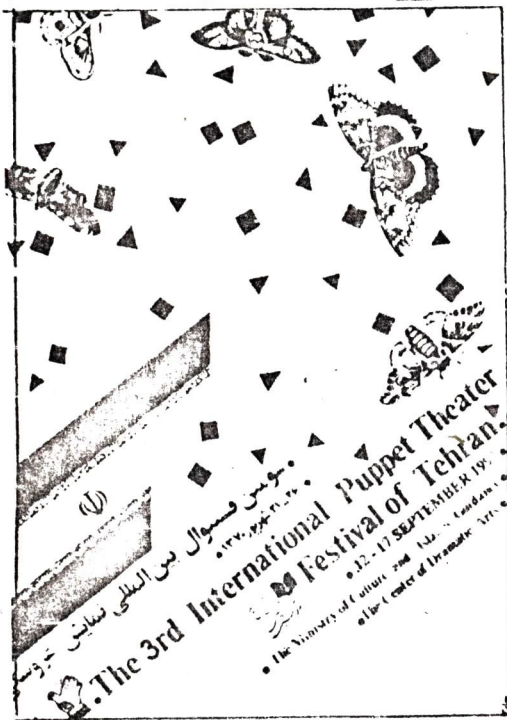
درمانیک آن، موجب آن شده است تا طراحی نشستگاه تماشاگران، و نسبت و زوایای آن با صحنه نمایش، خامدستانه پیریزی شود. در واقع تماشاگران اجرا، قربانی دکور صحنه ای میله ای و پرخرجی می شوند که کارگردان می توانست به جای آن، و بی آنکه خللی به اجرا وارد آید، و به

تقتضای سنت روایت و نقالی از تابلو پرده ای کم عرض تر، بهره بگیرد. و در نتیجه ناگزیر نباشد که برای تعبیه دکور عریض خود، ترکیب نشستگاه سالن چهارسو را طوری برهم زند، که مجری تماشاگران سمت چپ و راست صحنه (یعنی چیزی نزدیک به چهار پنجم تماشاگران) در تماشای اجرا، دچار مشکل عدم اشراف کامل بر صحنه نمایش گردند. از سوی دیگر، موسیقی زنده نمایش، معجون هفت جوشی است از قطعاتی که در کنار یکدیگر، پیکره ناشکیل و ناموزونی را می سازند؛ و این چنین است که فرصت بهره گیری نافذ و خلاق، از تمبید گرانقیمت موسیقی زنده نیز، به کلی هدر می رود!

میزانسنهای نمایش نیز در بیشتر اوقات، فاقد تدابیر و الزامات صحنه ای نیمه نوزنقه ای هستند، که کارگردان برای تحمیل دکور خود، بر تماشاگر تحمیل کرده است. علاوه بر اینها، ریتم و ضرباهنگ کنسدر نمایش فاقد کار ویژه ای زنده و باشناط بوده، و همین خود به ملال خاطر تماشاگر بیشتر دامن می زند؛ خصوصاً در هنگامه طبل کوبی نعره آسا و گوشخراش ابروان!

از سئوئی فراموش نکنیم که این اجراء، کبانۀ نمایش عروسکی را نیز به گرده می کشند. اما به راستی کدام نمایش عروسکی؟! در اجراء، و پس از مقدمه چینیهای عمدتاً مطول و زائد، و از دقیقه سی نمایش، ظاهراً پای نمایش عروسکی هم به میان می آید. بی آنکه اصلاً عروسک یا عروسکهایی در کار باشند. کارگردان برای اجرای باصطلاح عروسکی خویش، نه تنها به این بسند می کند که مراهائی باریک را (که در انتها و ارتفاع به اشکالی مبین تیپ هر شخصیت نمایشی منتهی می شوند) به دست بازیگران خود بدهد، تا در مقابل صورت بگیرند. همین و بس. و این هم در حالی است که بازیگران در پاره ای از اوقات این میله های شکل را - که نقش ماسک و نقاب را ایفا می کنند - از مقابل صورت خود پائین می آورند، اما بدون هیچ دلیلی و بی آن که تغییری در شخصیت بازی آنها صورت گرفته باشد!

بهراستی سئوالم این است که آیا در قلمرو تئاتر عروسکی، هیچ قاعده و مرزندی و قانونی، برای تفکیک آن از تئاتر غیر عروسکی وجود ندارد؟ آیا اوضاع آنقدر هر کی به هر کی است که کارگردان این نمایش به خود اجازه می دهد که تصور و برداشت غلطی از تئاتر عروسکی را که مغایر و نقیض با موجودیت و فلسفه وجودی تئاتر عروسکی است، به روی صحنه آورده، و آب هم از اب نکان نخورد؟ به راستی هیئت بازبینی این نمایش، بر اساس چه معیار و موازینی مجوز شرکت این نمایش را در یک جشنواره بین المللی عروسکی صادر کرده است؟!؟



دومی لااقل به يك اعتبار با نگاه و نظری متضاد با نگاه اولی، و به مثابه رده‌های بر حرف و سخن آن نمایش، و اندیشه‌ها و آراء موافق با آن، به صحنه درآمد. کاری نداریم به اینکه حرف و سخن کدامیک از طرفین صواب است یا ناصواب؛ کلامی نیز نخواهیم گفت از اینکه ممنوع‌الاجرا اعلام شدن اولی، آنهم پس از یکی دو اجرا در جشنواره نهم و دهها اجرا در المان، عملی بخردانه بود یا نابخردانه؛ اما به قطع یقین می‌توان اعلام داشت که این دومی رذیله‌ای ضعیف، آشفته‌ساز، و کسل‌کننده بود بر مضمون خوش ساخت اولی.

در نمایش یکی بود، یکی نبود - که به منزله کاری از بخش تئاتر حوزه هنری، و با یاری مرکز هنرهای نمایشی از امکانات مالی و تبلیغاتی خوبی نیز برخوردار بود - گوئی همه چیز دست به دست هم داده بود: تا تماشاگران شاهد یکی از ناموفق‌ترین نمایشهای سالیان اخیر باشند.

داستان نمایش، حدیث پهلوانی است مگر که گیر، که در طریق نیل به کمال و حقیقت و سعادت برین و اعلی، سیر اناق و انفس پی می‌گیرد. در این رهگذر - و از دریچه نگاه نویسنده - او راه را گم نمی‌کند، اما در راه گم می‌شود؛ و از مسیر طلب گمشده سالهای دور خویش واپس می‌افتد. در این حال پیری از جانی سبز می‌شود و او را به مراقبه و تأمل و انتباه می‌خواند، و به یادش می‌آورد که کیست و در چه راهی است. پهلوان، شاکر بشارت و انداز پیر، راهی طلب مقصود می‌شود و در راه به شهری می‌رسد. در این شهر وزیری محیل و غاصب در پس مرگ سلطان وقت، با خدعه و نیرنگ، بجای وی نشسته، و با دسیسه و دروغ افسانه موحن جادوگری خونخوار را، در شهر شایع ساخته است. جادوگری که گویا ملک جمشید نامی را از بین برده و پریزاد خاتون دختر شاه متوفی و نامزد ملک جمشید را به عنوان قربانی می‌طلبد. پهلوان که به دیدن سیمای پریزاد دل در گرو عشق او می‌بازد، تصمیم می‌گیرد به جنگ جادوگر رفته و او را نابود سازد. اما هنگامی که رهسپار مقرر جادوگر می‌شود، خود را با غلامی نزار که وزیر به حيله در آنجا گماشته روبرو می‌بیند، و سرانجام سر از سیاهچال درمی‌آورد که ملک جمشید و یارانش در آن زندانی شده‌اند. پهلوان آنها را نجات داده و در همین حین خبردار می‌شود که ملک جمشید نامزد پریزاد خاتونی است که پهلوان به او دلباخته و....

.... اما طرح داستانی فوق، در پرداخت ادبی نویسنده و در منطق پردازی متن وی، گرفتار نارسائیهایی جدی و بارزی می‌شود. داستان نمایش به شیوه بازی در بازی پیش می‌رود؛ و در این میان بهره‌گیری از تمهید فاصله‌گذاری،

تفکیک زمانها، و مرزبندی موقعیتها، چنان مبهم و مغشوش است که اغلب تماشاگران را در ارتباط با دنبال کردن دقیق خط قصه دچار مشکل جدی می‌کند.

در پهنه داستان نمایش، عشق پهلوان به پریزاد خاتون، به عنوان نمادی از عشق زمینی، و در تکراری کاتولیک مابانه و هور قلیایی (و مغایر با عرفانی که نویسنده داعیه آن را دارد) به منزله سد و رادع و مانعی در برابر نیل به سعادت و تعالی معرفی می‌شود. این در حالی است که برخلاف رویه نمایش، در قاموس عرفان و عرفای وحدت‌گرا و وسعت‌اندیش اسلامی، عشق بی‌شائبه و پاک زمینی به عنوان یکی از حقیقتها و پلهای ارتباطی نیل به عشق ازل و حقیقی و کسب محبت مبدء سبحان تلقی می‌گردد. البته نویسنده برای آنکه رد و نشانه‌ای از مصداق و مفهوم کمال و سعادت در فضای آشفته قصه خود باقی گذاشته باشد، مبارک، دلگداز درباری را در صحنه گفت و واگویی ناصحانه او با پهلوان، به عنوان سمبل سعادت و گمشده سالهای دور پهلوان معرفی می‌کند؛ و این مبارک، در نه‌ایش سرسنگی موجود مبهم و غریبی است که از یکسو در صحنه‌ای با پریزاد خاتون اظهار همدلی و همدردی می‌کند و نسبت به شخصیت او حسن نظر دارد؛ و در صحنه‌ای دیگر، عشق پهلوان را به او، بعنوان نشانه‌ای بر گمراهی و انحراف پهلوان از صراط حق، به شماتت می‌گیرد. و تماشاگر

در این نمایش، تنها نشان و نشانه تئاتر عروسکی، جمع مگس و مخزون عروسکهای خیمه شب بازی بود، که در منتهی الیه سمت راست صحنه، و بر داربست دکور صحنه به سلابه کشیده شده بودند؛ بیجا، عروسکها!

نمایش یکی بود، یکی نبود، قطع نظر از معایب بسیار، قدیمی و خوش اسمنداد تئاتر کشور، و بازیگران جوانی نظیر فرشته سرابندی و محمداقا محمدی، به اعتبار توش و توان فردی، خویش، و به نسبت سایر پارامترهای موجود در عرضه گاه لحظه ها و وجوه مناسب و فکر شده ای نیز بود. البته در دایره تئاتر غیر عروسکی، در کار بازی بازیگران کریم اکبری مبارکه و محمد یگانه به عنوان چهره های نمایش، بازیهای قابل قبولی ارائه دادند. همچنین طرح لباسها با فضای روایتی و نمایش در نمایش اجرا، تناسب نشان می داد؛ و نمایش از یکی دو لحظه زیبا نیز خالی نبود: فراز بازی همزمان فرشته سرابندی بر دو نقش مادر و دختر، و شباهت تام و تمام علائم و نشانه های «این همانی» دو قطب قدرت، وزیر و ملک جمشید - که کتاف تلخ و ظریفی بود از قدرت محوری بسیاری از سیاست پیشه گان در ۵۰ زمانه و جغرافیائی.

سخن کوتاد کنم، که حرف آخر این قلم این است، که، نویسنده و کارگردان محترم این نمایش به عنوان «مسئول تئاتر تجربی دانشکده هنرهای زیبا»، «ساوت بخش تئاتر حوزه هنری»، و «عضو هیئت بازبینی مرکز هنرهای نمایشی»، و سرانجام به عنان دانشجوی تئاتر این مملکت، بایستی با فروتنی و راقع بینی بیشتری با میزان توان و قابلیت های خود، و مرتبه و جایگاهی که برای خود و آثارش قائل است، روبرو گردد. او خود بهتر می داند که نمایش یکی بود، یکی نبود شایستگی حضور در این جشنواره را نداشت؛ گو اینکه در حرم رابطه - و نه ضابطه - این اول بار نیست که چنین موردی رخ می دهد، و بی شک تا زمانی که بخشی از فضای تئاتر ما به مند پاره ای کسان، گرفتار رابطه بازی است، آخرین بار هم نخواهد بود!

حسن فتحی



سومین

جشنواره بین المللی
نمایش عروسکی تهران

۲۱ تا ۲۶ شهریور ۱۳۷۰



○ ادب و هنر

جشنواره عربسکی

چیستا یثربی

★ تئاتر يك پدیده جمعی و يك جشن همگانی است... راه پیوند دادن مردم به یکدیگر و ویران کردن دیوارهایی است که آنان را از هم جدا می کند!

سه اپیزود شادی!

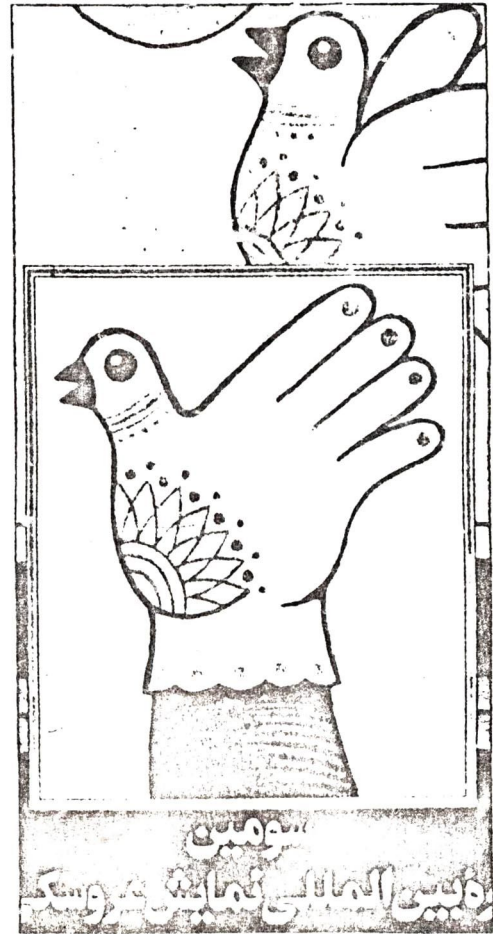
با نوای شاد موسیقی از پشت صحنه، نمایش آغاز می شود و متعاقب آن پنج بازیگر گروه، هر کدام با يك ساز موسیقی در دست وارد صحنه می شوند و در حین کف زدن و استقبال گرم تماشاگران به اجرای موسیقی محلی اسپانیایی می پردازند. به این گونه، نمایش «در جستجوی آقایی کریستو بیتا» در همان گام اول و در بدو ورود خود به صحنه، ارتباط گرم و صمیمی خود را با تماشاگر ایرانی اش برقرار می سازد و این ارتباط دو جانبه لحظه به لحظه در سئول نمایش بسط می یابد و بتدریج مرز میان بازیگر و تماشاگر برداشته می شود. به گونه ای که از اواسط نمایش شاهد شرکت و دخالت فعال کودکان در جریان بازی هستیم و در انتهای نمایش هم، مرز صحنه به گونه ای خودجوش از میان برداشته می شود و یکی از کودکان تماشاگر، که سخت تحت تاثیر اجرا قرار گرفته است، با حرکتی زیبا و در نهایت شادی از جا بلند می شود و در حال رقصیدن با موسیقی گروه، به جمع نمایش می پیوندد!

«در جستجوی آقایی کریستو بیتا» نمایشی برای کودکان است. ولی به دلیل جذابیت های اجرایی به راحتی می تواند با مخاطب بزرگسال خود نیز ارتباط برقرار کند و او را همراه کودکان، به خنده وادارد. این نمایش که برگرفته از فرهنگ خاص مردم اروپاست، از سه اپیزود یا پرده تشکیل شده است، که هر کدام از اپیزودها، داستانی جداگانه دارند. از نظر محتوایی هیچ ارتباطی میان این سه اپیزود وجود ندارد، مگر شخصیت اصلی نمایش، یا همان «کریستو بیتا» که در هر سه اپیزود وجود دارد و در واقع اپیزودها را به هم ربط می دهد. در اپیزود اول کریستو بیتا در تلاش است که شاهزاده خانمی را که در قفسی زندانی است نجات دهد. کریستو بیتا که در اینجا همچون «مبارک» در نمایش های خیمه شب بازی ما، نقش مثبت و فعالی دارد، به

● در جستجوی آقای کریستو بیتا - اسپانیا -

به کارگردانی «خولیو میچل»

● سومین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران



(نرمش و تحرك بدنى كودك) ۲- خوش آيندى فعاليت (ايجاد رضايّت خاطر از جريان نمايش) ۳- تاّمين احساس ازادى (خودبخودى بودن فعاليت و عدم تحمیل موضوع) ۴- پرورش روحيه کار در كودك ۵- ايجاد شرايطى برای فراكنى نيازها و آرزوهای بيان نشده ۶- و در شكل اختصاصى تر وسيله‌ای برای درمان ناپهنجاريهای رفتارى كودكان...

يك نمايش موفق در جهت دستيابى به تاثيرات فوق مى كوشد و ايجاد اين تاثيرات بيش از هر چيز برايش مهم جلوه مى كند. «در جستجوى آساي كريستو بيتا» با وجود برخوردارى از زبان بيگانه به راحتی توانست با مخاطبين كم سن و سال خود ارتباط برقرار كند. چرا كه حداقل در چند جرد از تاثيرات بالا به تايج موفقيت آميزى رسيده بود و اين نشان مى دهد كه دورى جستن از كليشه‌های كهنه و قالبى و تحمیل دنياى ذهنى بزرگسالان به كودك و خلق فضاي صميمى كه مطابق با ظرفيت ذهنى، كنجكاوى، توجه، علاقه و حوصله كودكان باشد، تنها عامل ارتباط در نمايش محسوب مى شود و اصولاً مگر نمايش، به منظورى به جز ايجاد ارتباط به روى صحنه آورده مى شود؟ □

منظور نجات شاهزاده خانم، به سوى قصر راهى مى شود و در اين راه مصائبى را پشت سر مى گذارد و با سه دشمن قوى پنجه (شبح، اژدها و جادوگر) در مى افتد و در نهايت با شكست دادن دشمنان، شاهزاده خانم را از چنگال نيروهای اهرىمنى مى رهاند. اين ايزود به دليل جذابيتهاى اجرائى و موضوع آشنای آن برای كودكان ايرانى، يكي از موفق ترين فرازهای اجرا بود. در ايزود دوم كريستو بيتا به سلمانى مى رود و در آنجا اتفاقات خنده داری كه برايش رخ مى دهد باعث نشاط كودكان و بزرگترانشان مى شود.

و بالاخره در ايزود سوم، شخصيت اصلى نمايش يا همان كريستو بيتا در نقش يك گاو باز به روى صحنه ظاهر مى شود.

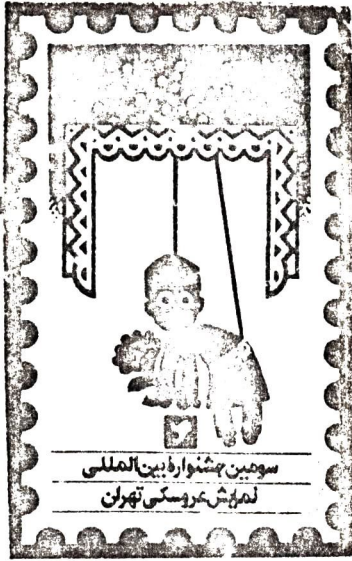
بازيگران خوش ذوق نمايش در فاصله ميان پرده‌ها، با اجرائى موسيقى ملّى و محلى اسپانيايي تماشاگران را سرگرم مى كردند و با ترنندهای ویژه خود، تمامی جمع حاضر را در آوازاها و فعاليتهاى خود شركت مى دادند. به گونه‌ای كه فضاي گرمى در سالن شماره ۲ تئاتر شهر ايجاد شده بود، و اين امر را بايد معلول هوشمندی، ذوق و مهارت بازیگران گروه دانست كه به همه اينها بايد تجربه ۱۵ سال كار گروهى اين جمع و شركت در جشنواره‌های مختلف را اضافه كرد.

استفاده از چند لغت فارسى در ميان نمايش، دعوت از تماشاگران برای همراهى كردن با گفتارها و اطسوار نمايشى، شركت دادن كودكان در جريان بازى و بالاخره مهارت قابل تحسین دو بازیگر عروسك گردان نمايش در موفقيت اين اجرا سهم عمده‌ای داشت. اين گروه از حداقل امكانات نمايشى استفاده كرده بود، به طوريكه اين اجرا مى توانست در فضاي باز و حتى در خيابان نيز انجام بگيرد.

با اين همه، اين اجرا بخوبى نشان داد كه اگر يك نمايش عروسكى برای كودكان به اجرا در مى آيد، تنها در صورتى موفق خواهد بود كه با نيازها و رغبتهای روحى كودك متناسب باشد و بتواند او را بدون هيچ تحمیلی، در حين نمايش فعال كند و در اجرا دخالت دهد و حتى او را به انديشين و تصميم گيرى وادارد. و اين كار با حداقل امكانات و تنها به مند برخوردارى از علاقه به كودكان و شناخت اصولى نسبت به ویژگیهای روحى و ذهنى آنها ميسر خواهد شد.

تئاتر برای كودك به مثابه يك بازى جمعى است. جدا از آثار اختصاصى آن برای كسب نتايج آموزشى و پرورشى، بايد بتواند به يك سري تاثيرات عمومى دست پيدا كند. مهمترين اين تاثيرات عبارتند از: ۱- بهبود رشد جسمانى

- ۱- «ساواری» - تئاتر تجربى. ترجمه مصطفى اسلاميه - انتشارات سروش - ۱۳۶۹
- ۲- مهدى رضا بدلى - تئاتر كودك از ديده‌گاه هنر و روانشناسى - انتشارات رشد - ۱۳۶۶



آگاهانه، اما خالی از ضرورت

- نمایش: سوگ یحیی
- نوشته و کار: حمیدرضا اردلان
- محل اجرا: سالن بهارنسو

حمیدرضا اردلان بعد از به صحنه آوردن نمایش مجموعاً موفق سنجاك و سنگ سیاه در جشنواره سال گذشته، این بار در جشنواره سوم، برداشتی از زندگی یحیی پیامبر، و وقایع دوره او را، دستمایه نمایش خویش قرار داده است. برداشتی که برخلاف آمد جهت‌گیریهای فردگرایانه در نگاه به قصص تاریخی، به دنبال ارائه مضامین و تصویری اجتماعی از موقعیت یحیی پیامبر بوده، و در نگاه فلسفی خویش، مفاهیمی در ورای يك دوره تاریخی خاص را، پی می‌جوید.

متن نمایش، اگرچه از ابتدا تا انتها، به زبانی شاعرانه و گوشنواز آمیخته است، اما در عین برخورداری از عمق کلامی، از ژرف‌اندیشی دراماتیک چندانی برخوردار نیست. گوئی نویسنده چندان در بند و دغدغه داستان‌پردازی برداشت خویش از این حکایت نبوده است. در عین حال، او در تلاش عرضه متنی بوده است که به مثابه يك متن صحنه‌ای، متکی به اجرای نمایش بوده و سخت به آن گره خورده باشد. همین تلاش است شاید، که موجب می‌شود تا اجرای نمایش نیز، در فرجامی معکوس، و به رغم پاره‌ای تنوعات و جاذبه‌های تصویری، اسیر ریتم و ضرباهنگ سرد و سنگین متن نمایش شده، و در نتیجه نمایشی که در تکاپو است تا

عرضه‌کننده ریتم و حرکتی در جوهره و عمق باشد، به دلیل بی‌توجهی به وجه صورت ریتم و ضرباهنگ، گاه‌به‌گاه به ورطه سکون و کسالت‌باری در غلتیده، و در این راستا حرف و پیام آن نیز، گرفته‌تر. حال‌های از ابهام و تعقید می‌شود. در اجرای صحنه‌ای نمایش، کارگردان بر آن است تا با اتکاء به تمهیدهای نظیر تکنیک فاصله‌گذاری، قرارداد سنتی صحنه تئاتر عروسکی را بشکند. به نحوی که در چندین فراز نمایش، همچون صحنه اعلام فرمان هرود به یحیی مبنی بر ماندن در خانه، و صحنه گفت‌وواگوی ندیمه و ملکه جدید درباره یحیی، بازیگران، بطور هم‌زمان به ایفای دو نقش عروسکی و غیر عروسکی مشغول می‌شوند. فاصله‌گذاری آگاهانه‌ای از جانب کارگردان برای آن که تماشاگر از یاد نبرد که آنچه می‌بیند نمایش و بازی است، و نه واقعیت. اما آیا به‌راستی بهره‌گیری از چنین تمهیدی، با هر نوع نمایش و موقعیت تئاتری سخت و تناسب دارد؟ آیا نباید در ضرورت استفاده از این تکنیک به تفاوت‌های قانونمند میان تئاتر عروسکی با تئاتر غیر عروسکی توجه کرد؟ آیا چنین نیست که کارویژه معین و اعتراض‌آمیز تکنیک تعقل‌گرایی فاصله‌گذاری را عمدتاً باید در ارناط با آن نوع نمایشی جست که در عصر برشت، تحت عنوان رئالیسم منفعل بورژوازی، یا تئاتر احساس‌آسای‌گرایی تعقل‌ستیز به تخیل و تحمیق مخاطبان خویش مشغول بود؛ و آیا مگر تئاتر عروسکی با فاصله گرفتن

از تئاتر غیر عروسکی، در بطن خویش بر نوعی نمایش و بازی - و نه توهم واقعیت را - در ارتباط با تماشاگر، نقطه تاکید نمی گذارد؟ پس دیگر چه جای ضرورتی برای استفاده از این تکنیک، در این عرصه باقی می ماند چیز و سوسه های ناخودآگاه تئاتر غیر عروسکی؟ نمایش تکلیف خود را با دکور صحنه نیز به لحاظی روشن نمی کند. دکور ظریف و ساده و زیباست، در این حرفی نیست؛ اما اگر حرکت خمینه و کورمال کورمال با عروسک گردانها در پشت

آن برای آن است تا دیده نشوند، بی شك ارتفاع اندک دکور صحنه افاقه این کار را نمی کند؛ و اگر این موضوع اهمیت چندانی ندارد، پس چرا انطور خمان خمان و زدکی از يك سمت دکور به سمت دیگر می روند؟

نمایش سوگ یحیی، قطع نظر از نکات فوق، از موسیقی و عروسکهای ساده و مناسبی برخوردار است. و از دیگر نکات قابل اشاره، حرکت و بیان خوب عروسک گردانها، به ویژه مهدی لطفی و مینو رضاخانی است.

فوتبال، گاو بازی و تئاتر



- نمایش: در جستجوی آقای کریستوبیتا (از اسپانیا)
- کارگردان: خولیو میچل
- محل اجرا: سالن شماره ۲ تئاتر شهر

در دومین روز جشنواره، قرار بود که يك گروه نمایشی از اسپانیا نمایش آقای زرد را به روی صحنه آورند؛ اما به دلیل تاخیر و دیرکرد گروه، گروه دیگری از اسپانیا، با نمایشی دیگر، جایگزین گروه قبلی شد.

گروه مزبور با سابقه کار پانزده ساله در زمینه تئاتر عروسکی، و با کارنامه شرکت در فستیوالهای در فرانسه، پرتغال، شوروی، کوبا، و برزیل، به حریم جشنواره عروسکی تهران قدم نهاده بود تا سه قصه مستقل از ماجراهای عروسکی به نام کریستوبیتا را - که از ادبیات فولکلور اسپانیولی برگرفته شده - در سه پرده، و همراه با موسیقی زنده و پر نشاط نوازنده - بازیگران خود، به نمایش گذارد.

در پرده اول، کریستوبیتا پس از پشت سر گذاشتن نبردهای بیشمار، موفق به نجات شاهزاده خانمی از يك برجک می شود. در پرده دوم ماجراهای کریستوبیتا در يك سلمانی دنبال می شود؛ و در پرده سوم کریستوبیتا در لباس يك ماتادور در میدان گاوبازی به مبارزه با يك گاو وحشی می پردازد.

قطع نظر از پرده اول که دربرگیرنده داستان پرکششی است، در پرده دوم و سوم نمایش، از داستان خبری نیست؛ و بیشتر شاهد پاگیری يك کمدی فارس در دو موقعیت - سلمانی و میدان گاوبازی - هستیم.

در اجرای این سه پرده، که با ظرافت حرفه ای خاصی صورت می گیرد، دو عروسک گردان نمایش در پشت دکور جمع و جور و ساده ای، با به بازی درآوردن ماهرانه عروسکهای پاپتی (دستکشی)، و با صداسازی شی شبیه با صداسازی در نمایش خیمه شب بازی ایرانی، کار آغاز تا انجام نمایش را پی می گیرند. این دو تن را سه تن از نوازنده - بازیگران گروه نیز با بازار گرمی جالب توجهی همراهی می کنند.

اجرای این نمایش اسپانیولی زبان، نمونه بی پیرایه و در عین حال استادانهای بود، از برقراری يك ارتباط گرم و پرجاذبه میان صحنه نمایش با تماشاگران کوچک و بزرگ آن. ارتباط موفقی میان هنرمندان و هنردوستان دو ملیت، در گذر بده و بستانهای فرهنگی.

از فرهنگ گفتیم، و بد نیست به مزاح هم که شده اشاره کنیم به این نکته که ویژگیهایی نظیر خشونت و پرخاشگری، و در عین حال شور و وجد و سرخوشی، به عنوان ویژگیهای ظاهراً متضاد و بارز فرهنگ اسپانیولی، نه تنها در هیاهوی فوتبال و گاوبازی این سرزمین، بلکه بر صحنه تئاتر عروسکی آن نیز، جلوه ویژه ای دارد. آقای کریستوبیتا و فضای پرخاشگری و خشونت آمیخته با مزاح و موسیقی هر سه پرده نمایش شاهدهی بود بر این دعوی نه چندان جدی! □

آیا تنها باید عروسک‌ها رنگ و لعابی نو بیابند؟ چرا در جهت نوجوئی و نوظلمی محتوی تلاشی نمی‌شود؟ تنها خوش ذوقی کارساز نیست، ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی تغییر و تکامل یافته است.

(احیاناً به کمک وردبستش) و هر یک با تسلط بر چند صدای غالباً محدود ولی متنوع، به عروسک‌ها قدرت تکلم اهدا می‌نمودند. آیا تابحال این سؤال را از خود کرده‌ایم که چرا این هنرها، جزو هنرهای مردمی شناخته شده‌اند؟ پاسخ به این سؤال روشن است. زیرا چشم و دل گروه به وجه معین مانی تماشاگر نبود و هر کس بسته به وسع مادی و علاقه خود مبلغی در کاسه یا کبسه و کلاه پیر مرحمت می‌نمود و ترس از اینکه به خاطر ضیق مالی نتوانی نمایشی را ببینی نبود، می‌توانستی از نمایش لذت ببری و دست در جیب خود هم نکنی. ولی حیف که این هنرهای مردمی، از مردم جدا شده و دیگر آن شور و



نگاهی به نمایشهای عروسکی

همانگونه که ادبیات، تمدن و فرهنگ را نمی‌توان بطور جامع و کامل تعریف کرد، هیچ موضوع نمایشی را هم شاید نتوان تعریف کرد.

اما آنجا که بدنیال هنرهای مردمی می‌رویم بی‌شک سنتی‌ترین نوع نمایش‌ها، موضوع نمایش‌های عروسکی است که سابقه آن به قرن‌ها پیش از این برمی‌گردد. آن زمان که بازیگری به روی صحنه تقبیح می‌شد، آن زمان که فشارهای عدیده دیگری همچون کمبود بازیگر و مشکلات انتقال ۱۰ و یا حتی ۳ بازیگر و قبول زحمت آنها و مخارج آن مطرح بود، نمایش‌های عروسکی به علت نبود فشار روی آن و به خاطر قابل نقل و انتقال بودن راحت‌تر، مورد توجه بازیگردانان هر عصری بوده است. از شهری به شهر و از مرزی به مرزی دیگر کوچ می‌کنی بدون این که خرج خورد و خوراک و یا اسکان را داشته باشی.

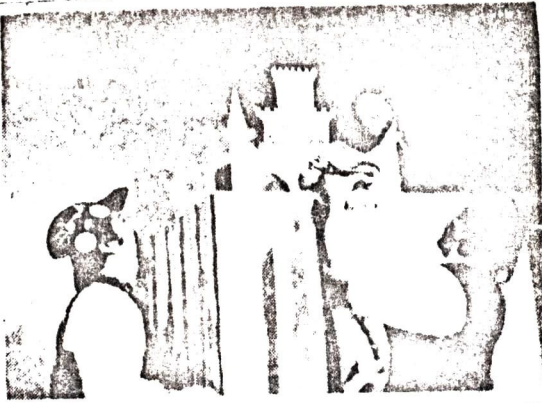
پیرو مرشدی که بازحمت و ظرافت، یک یک بازیگران را به دست خود می‌آفرید و آنها را به گردش و حرکت می‌آورد

التهاب و آن با هم بودن و با مردم بودن را از آن زدودمانند. حال دیگر اگر صد تومان در جیب نداشته باشی، اصلاً نمی‌توانی فکر رفتن و تماشاى آن نمایش را هم به ذهن عاشق و مشتاق خود راه بدهی...

سخن از تئاتر هرزومکی است. تئاتری که قرن‌هاست در بین مردم جایگاه خود را حفظ کرده و ماندگار است. هنری برگرفته از دل مردم که بازیان طنز و استفاده از اساطیر و افسانه‌ها، تأثیرهای غیرقابل انکاری بر روح و اخلاق ملت‌ها می‌گذارد و آنها را به سوی انساندوستی، محبت، ایثار و مبارزه با ظلم و دروغ و ریاکاری سوق می‌دهد.

افسانه‌ها، داستانهای هستند زاده آداب و رسوم و عقاید و احتیاجات اجتماعی اقوام که در هر جامعه‌ای در قالب افسانه‌های ملی درآمده و به جهت نقل و بازگوئی جهانگردان، منتشر شده‌اند. پس این نمایش‌ها از فرهنگ عامیانه آب می‌نوشند، فرهنگی که باید با بارنویسی، به آفرینش‌های جدید

دست یابد (که مناسبانه حرکتی در این سمت و سوی نمی‌شود، هرازگاهی هم که حرکتی شده، در بازنویسی‌ها، ساده‌گویی اینگونه افسانه‌ها فراموش می‌شود که باعث شکست از جانب عامه است و دلیل و شرح آن در این اندک نمی‌گنجد.) به هر حال مقصودیت عمده این نوع نمایش، سادگی محتوا و زبان آن است نه فقط به خاطر سروکار داشتن آن با کودکان بلکه به خاطر مخاطبین عوام آن. جانب اینجاست که آنچنان تأثیری این نوع نمایش به روی عامه دارد که بزرگسالان هم بالتهاب تمام در حوادث و هیجانات نمایش، ناآگاهانه و بعضاً آگاهانه شرکت می‌کنند.



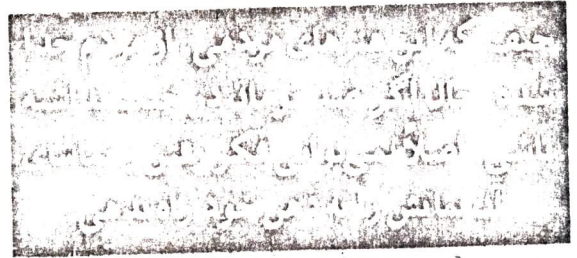
جی‌جی‌بی‌جی از شیراز- خیمه شب بازی بارگاه سلیم خان از تهران- خیمه شب بازی عروسی فرخ خان از تهران و عروسک شکار از نیشابور، انتخاب شده و در چند سالن به اجرا درآمدند.

امسال نمایندگان تئاتر عروسی کشورهای مختلف جهان اثر به نمایش گذاشتند: همد و شاهزاده از سوئیس- علاءالدین و چراغ جادو از پاکستان- در جستجوی آقای دن کریستوبال از اسپانیا- تخیلات گوناگون از ژاپن- آمارستیک راتور از هند و افسانه‌ای درباره یک ازدهای خوب از لهستان. در کنار اجرای نمایشهای عروسی، ستاد برگزاری فستیوال اقدام به برپایی جلسات سخنرانی و بحث و بررسی مسائل مربوط به نمایش عروسی ایران و جهان نموده افراد ذیل در فستیوال ایراد سخنرانی کردند:

آقای بهروز غریب‌پور و قطب الدین صادقی از جمهوری اسلامی ایران- آقای ژرار استوار از فرانسه- آقای ژاک پامپانو از فرانسه- خانم مهرکنترا کتور و آقای جیدی و یرمانی از هند- خانم اسپومینکا استیمیر، از یوگسلاوی و آقای جان مک کورمیک از ایرلند.

با امید به اینکه سالهای آینده فستیوال عروسی، پربارتر و غنی‌تر و بدور از ضعف‌های موجود باشد، برای دست اندرکاران این فستیوال آرزوی توفیق در راه خدمتگزاری به فرهنگ اصیل ایران اسلامی داریم.

میرجوادی



ابتدا عروسکها غیر قابل انعطاف‌تر و ساده‌تر بودند، بتدريج امروز دهان باز کرده، تمام اعضا بدنشان حرکت می‌کند و زندگی طبیعی‌تری روی صحنه دارند. ولی آیا تنها باید عروسکها نو شوند و رنگ و لعابی نو بیابند؟ چرا در جهت نوجویی و نوظللی محتوی تلاشی نمی‌شود؟ چرا به دنبال سوزهای بکر و جدید نمی‌روند؟ تنها خوش‌ذوقی کارساز نیست، ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی تغییر و تکامل یافته است.

این نوع نمایش دلیل مزایایی که دارد و ذکر شد، دریای بیکرانی است که موضوعات متنوع و جدید بشری را می‌توان در قالب آن به تحلیل درآورد.



سومین فستیوال بین‌المللی نمایش عروسی در تهران را از ۲۱ تا ۲۶ شهریورماه پشت سرگذاشتیم.

آثار ایرانی به نمایش درآمده در فستیوال عبارت بودند از داستان لطیف- سوگ یحیی- شیرین تر از پرواز- ولوله در اتاق- هفتخوان رستم- یکی بود یکی نبود.

در بخش دیگر نمایشهای ایران، چند نمایش عروسی با توجه به خصوصیات ویژه و قابل توجهی که دارا بودند، از سوی کمیته انتخابات جهت اجرای در فستیوال برگزیده شدند. این نمایشها عبارت بودند از: اصحابه ست- بزن یک دو- حسن کچل کاری از مرکز تئاتر عروسی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان- بابا بزرگ و ترب- کاری از مرکز تئاتر عروسی اصفهان.

در بخش نمایشهای عروسی سنتی ایران، از میان چندین نمایش متفاوتی شرکت، پنج نمایش تکم از اردبیل-

سومین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران به کار خود خاتمه داد

سومین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران که با ۲۰ نمایش ایرانی و خارجی کار خود را آغاز کرد، به کار خود خاتمه داد.

سخنانی گفت: در مدت

در این مراسم گزارشی از چگونگی برپایی سومین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران و نحوه انتخاب و راهیابی نمایشهای ایرانی و خارجی و نیز برنامه های جنبی جشنواره ارائه شد.

شد. در پایان این مراسم نمایش «داستان لطیف» کار ایرج طهماسب از ایران به نمایش درآمد.

برپایی این جشنواره ۲۵ هزار نفر نمایشهای آن را تماشا کردند.

لی منتظری سرپرست مرکز هنرهای نمایشی طی

در چهارمین و آخرین روز سومین فستیوال بین المللی نمایش عروسکی تهران ۷ نمایش از ۴ کشور، در ۷ تالار تئاتر به نمایش درآمد.

در ادامه این مراسم به تمام گروههای نمایشی ایرانی، خارجی شرکت کننده و کارشناسان ایرانی و خارجی میهمان جشنواره جوایزی اهدا

نمایش «افسانه ای در باره یک ازدهای خوب» از کشور لهستان، «سوپر سیرک استانی» از انگلستان، «امار سینگراتو» از هند و «داستان لطیف»، «خیمه شب بازی» و «بابابزرگ و تهرب» از جمهوری اسلامی ایران هر کدام در دو سانس به صحنه رفتند.

این نمایش ها به ترتیب در سالن اصلی تئاتر شهر، سالن چهارسو، سالن شماره ۲ تئاتر شهر، سالن قشقائی، تالار هنر، تالار سنگلج و فرهنگسرای بهمن به اجرا درآمدند.

از نکات جالب این فستیوال حضور بی شماری از دانشجویان و بازیگران تئاتر تجربی بود. با برگزاری مراسم اختتامیه سومین فستیوال بین المللی نمایش عروسکی تهران به کار خود خاتمه داد و علاقمندان در انتظار سال آینده و چهارمین فستیوال خواهند بود.

برشینه



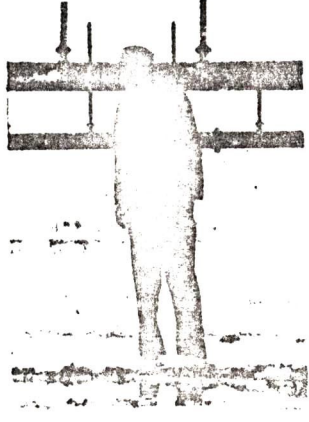
سومین فستیوال بین المللی نمایش عروسکی



کارنامه سومین فستیوال بین المللی نمایش عروسکی بسته شد. این فستیوال به اعتبار بین المللی بودنش، در میان جشنواره‌های داخلی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و به همین لحاظ بر مسئولین است تا با اندوخته تجارب به‌جامانده از دوره‌های پیشین، به استقبال چهارمین دوره فستیوال بروند. نا گفته نماند که این فستیوال تا جایگاه ایده آل خود راه درازی را در پیش دارد. در اولین فستیوال دو کشور خارجی میهمان بودند که این رقم به شش کشور در سومین فستیوال افزایش یافت. البته فرار بود هفده کشور در این فستیوال شرکت داشته باشند که چنین نشد. به هر حال روزی که نارسائیا و برنامه‌ریزیهای آشفته رو به کاهش بگذارند، دستاوردهای جدی‌تری را به ارمغان خواهد آورد. با این حال صرفنظر از نقصانها باید بپذیریم که سومین فستیوال بالنسبه خوب برگزار شد.

حضور شش نمایش خارجی در این فستیوال طبعاً مقایسه‌ای بین نمایشهای ایرانی و خارجی به وجود می‌آورد و اگر در سدد خود فریبی نباشیم، باید بگوئیم که بیشتر نمایشهای ایرانی چنگی به دل نمی‌زدند نمایشهای ایرانی همچنان اسیر قالبهای کهنه بودند و بی آنکه منکر عروسک گردانی متعمرانه بعضی از نمایشهای وطنی باشیم، اما بیشتر تکرار بود و تکرار. گروه نمایشی «سوک بچی» ضعیفتر از سال قبل ظاهر شد زاین نمایش «تخیلات گوناگون» را با تکنیک برتر به تماشا گذاشت و این برنامه‌ها می‌تواند کلاسی برای دست‌اندرکاران نمایش عروسکی ایرانی باشد. در فستیوال امسال از ازدحام سالهای گذشته خبری نبود. و همین امر موجب شد تا هنرمندان در این فستیوال حضور بیشتر داشته باشند.

نگاهی شتابزده به فستیوال سوم



• انعطاف، منظوم پیشرفت محسوس بود که امید پیشرفت در آینده را پیش رویمان قرار می‌دهد.

• خسرو شجاع‌زاده (بازیگر تئاتر و سینما):
- اگر مطابق برنامه اعلام شده، عمل می‌شد، فستیوال پذیرفتنی‌تر بود. با همه این حرفها این فستیوال نسبت به سالهای قبل پیشرفته‌تر بود. پیشنهاد می‌کنم که نمایشهای خارجی جشنواره را بیشتر کنند.

• عوریه نصراللهی فر (گرمور):

فستیوال سوم در قیاس با فستیوال دوم فرار نمی‌گیرد. در میان کارهای خارجی هیچ نوع خلاقیتی دیده نمی‌شد. به نظر می‌رسد که از گروه‌های آماتوری دعوت کرده‌اند. کار زاین لافیل تکنیک داشت. در میان کارهای ایرانی هم احساس می‌شد که در عروسک گردانی به انعطاف بیشتری دست یافته‌ایم. البته اینکه می‌گویم

• فدرا میرابی (دیپلمه گرافیک):

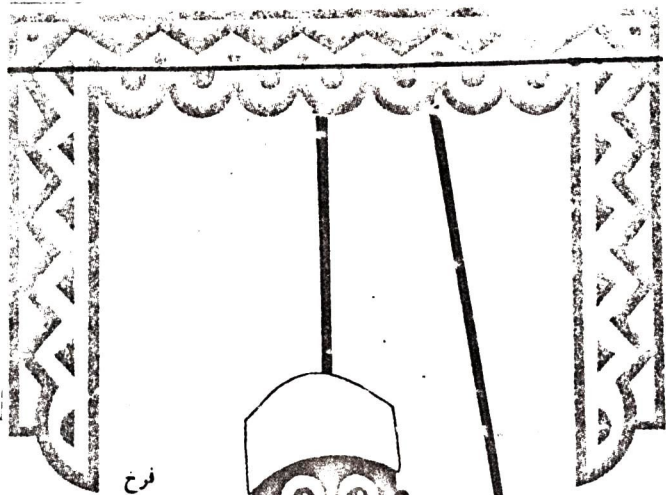
جشنواره امسال آنقدر بی سر و صدا برگزار شد که در دو روز آخر مطلع شدیم. تا این لحظه هم که خدمت شما هستیم، توفیق دیدن سه اجرا را بدست آورده‌ام. از دیدن اجرای اسپانیا و ژاپن هم محروم ماندم. در میان سه کاری هم که تماشا کردم از «داستان لطیف» خیلی خوشم آمد.

• شهره سلطانی (بازیگر تئاتر):

بالاخرین کاربرد موسیقی را در نمایش «هدیه و شاهزاده» دیدم. مقبولیت این موسیقی و پیوندش با اثر مرا بیش از پیش شیفته کرد. درباره جشنواره هم باید بگویم، آنچنانی نبود، اما نسبتاً خوب.

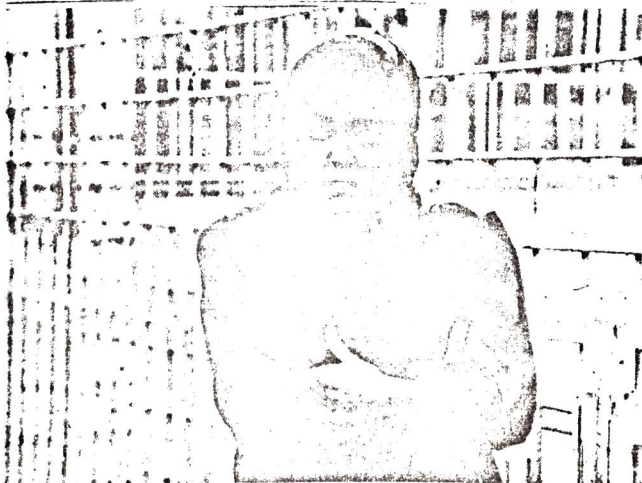
روزنامه

- در روز اول فستیوال، اغلب تماشاگران در انتظار اجرای سونیس بودند. غافل از آنکه سونیس‌ها، خودشان رسیده بودند اما لوازشان هنوز ترخیص نشده بود!
- گویا وعده داده شده بود که هر روز خبرنامه منتشر شود. از فضا خبرنامه‌ها، همه یکجا و آبریم در تعداد خیلی محدود در روز افتتاحیه رسید!
- از شگفتی این فستیوال برخوردار فوق‌العاده خوب مسئولین سالنها و تالارهای نمایشی بود که برایشان آرزوی توفیق داریم.



• پرستو گلستانی (بازیگر تئاتر و سینما):

فستیوال امسال بطور کلی خوب بود. منتهمی فاقد نظم بود که لازمه برگزاری این قبیل مجالس است. البته می‌توان از مسئولین امر این توقع را داشت تا نسبت به اعتدالی هنرهای نمایشی بیش از این فعال باشند. مسئولان نمایش با دعوت از گروه‌های خارجی امسال فعال عمل کرده‌اند. باید تعداد این جشنواره‌ها و اجراهای خارجی بیشتر باشد. از کارهای خوبی که در جشنواره دیده‌ام باید از نمایش گروه‌های اسپانیا و ژاپن و «داستان لطیف» ایران نام ببرم.



• پرستو گلستانی در نمایشی از فیلم «مجنون»



سومین جشنواره بین‌المللی
نمایش عروسکی تهران
۲۶ تا ۲۷ شهریور ۱۳۷۰
3RD INTERNATIONAL
PUPPET
THEATRE
FESTIVAL OF TEHRAN
12-17 SEPTEMBER 1991
CDA
The Center of Dramatic Arts

یکی بود، یکی نبود

سومین فستیوال بین‌المللی نمایش عروسکی از ۲۱ الی ۲۵ شهریور در تهران برگزار گردید.
در این فستیوال علاوه بر اجرای نمایشهای برگزیده ایرانی و خارجی، سمینارهای متعددی نیز انجام گرفت و سخنرانان به بررسی و تحلیل ابعاد مختلف نمایش عروسکی پرداختند.

اجرای نمایش در دو بخش نمایشهای ایرانی و نمایشهای خارجی صورت گرفت که برخی از نمایشهای ایرانی تنها بظهور خصوصی و برای میهمانان به اجرا درآمدند: «بابا بزرگ» و «ترب» نوشته و کار بهروز غریب‌پور، «اصحاب نیت» به نویسندگی و کارگردانی مهدی افضلی، «برن» یک «دو» کار فریبا چوپان براد و «حسن کچل» نوشته و کار علی اکبر

حلیمی، همچنین در این بخش چند نمایش سستی به اجرا درآمدند که در معرفی نمایش عروسکی سستی ایران نقش عمده‌ای داشتند این نمایشها عبارت بودند از: «حیثه شب باری» «بارگاه سلیم خان» کار: استاد احمد حسینی، «حیثه شب بازی» «عروسی فرخ خان» کار: استاد اصغر احمدی، نمایش «جی جی بی جی» کار: مهدی فقیه این نمایش، نمایش عروسکی سنتی شیراز محسوب می‌شود و به علت حسن و نوع عروسکها که از گچ ساخته می‌شوند قابل توجه است «تکم» (که نمایش عروسکی شمس اردبیلی می‌باشد و توسط یک دانش آموز اردبیلی به نام فرهاد زیدی در سالهای استقرار تالارها به اجرا درآمد از به حضور در میان تماشاچیان به زبان محلی از تکم، که به معنای برتر است، می‌گفت و خرد نیز عروسک را می‌گرداند) و «سکار» کار پورعباسیان و در هرمنند

نیایش‌پوری دیگر: در مورد نیایش اخیر که نیایش سنتی حراسان است گفتنی است که با همراهی سه نوازنده دو تار و آواز خوانی آنها در سائهای انتظار اجرا شد عروسک این نیایش یک بز نر است که با نخی به دست استاد وصل می‌باشد و او در حین نواختن دوتار عروسک را نیز همزمان به حرکت در می‌آورد.

از میان‌نیایش‌های ایرانی که در فستیوال به اجرا در آمد «یکی بود یکی نبود» نوشته و کار مجید سبزیگی موجب تعجب همگان شد. آن هم به این دلیل که این نیایش به هیچ عنوان عروسکی نبود بلکه سبزیگی با نیایش «هفت جوان‌رستم» کار خانه هما حدیکار اشاره کرد. این نیایش نقل هفت جوان رستم بود که با تلفیق دو شیوه عروسک نخی سایه اجرا شد هر چند در عجل کار عروسک گردانهای عروسکهای جنسی (مارپونت) چندان موفقیت آمیز نبود.

نیایش «لؤلؤ در اتاق» نوشته ماندانا کریمی بر اساس طرحی از فرحناز رضایی و به کارگردانی بهیم سعادت از نیایشهای ضعیف بخش کودکان و سوجوانان فستیوال بود. نیایش «شیر یبوتر از پرواز» نوشته قدحعلی سررامی و به کارگردانی مرضیه محبوب از قصه‌های زیبا اما نامناسب برای یک کار نهایی برخوردار بود. نیایش «سوک یچی» نوسه و کار حمیدرضا اردلان و نیایش «اداسان لطیف» اردیگر نیایشهای فستیوال بودند. «اداسان لطیف» نوشته کارا ارج طهماسب بهرین نیایش ایرانی فستیوال بود که به شیوه نثار عروسکی مدرن اجرا شد. از محسبات کار می‌توان به انتخاب سوزهای کهن از افسانه‌های مردمی ایران، استفاده از موسیقی سنتی، هماهنگی بین عروسک گردانها [دو نفر یک عروسک را حرکت می‌دادند]، رابطه درست بین عروسک و عروسک گردان و نیز صدهای مناسب برای عروسکها اشاره کرد.

نمایشهای خارجی

در این بخش «هدهد و شازده» از سوئیس - «افسانه‌های دربار یک اردهای خوب» از لیبان - «امار سنگ رانور» از هند - «حدیث گوناگون» از ژاپن - «درون کریستوال» از اسپانیا و «غلاءالین و چراغ جادو» از پاکستان اجرا شد.



دوون کریستوال

گروه سوئیس یک افسانه ایرانی را موضوع نیایش خود قرار داده بود که این خود می‌تواند چراغ قرمزی برای هم‌مدان ما باشد که به اهمیت داستانها و افسانه‌های ایرانی پی‌برده و دست روی دست نگذارند تا دیگران از ما کوی سفت را نبرایند.

نیایش «امار سنگ رانور» نیایش سمنی را احسان شد است که با حسیه بنت یاری ایران فرایب بسیار دارد گروه اسپانیا با اجرای یک نیایش دستکشی توانایی خود را به نمایش گذاشتند. کار عروسک گردانها و بازی روان راوی بسیار زیبا و دیدنی بود. گروه چهار نفره پاکستان با ۲۳ عروسک متلدای کار موفقی ارائه دادند. نیایش از لحاظ

اجرائی دقیقاً مانند نیایش «سفر ستر در ستر» کار بهروز غریبه‌پور بود اما با حرکاتی بسیار نرم‌تر و ریتمیک قابل ذکر است که چند نیایش از اسپانیا، فرانسه، انگلستان و ژاپن که قرار بود در فستیوال اجرا شوند به علت عدم حضور گروه‌های مربوطه به اجرا در نیامدند.

جلسات سمینار و سخنرانی

جلسات سخنرانی از صبح جمعه ۲۲ شهریور در تالار محراب آغاز شد. در این جلسه ابتدا بهرروز غریبه‌پور درباره «نیایش در نثار عروسکی» به ایراد سخن پرداخت و یادآور شد: «نیایش در نثار عروسکی در اعزاز راه است و نی تا فاندنیهای اجرائی که در نثار عروسکی می‌باشد. هم‌چون اجرا بر روی آب (نثار عروسکی و بیسام) استفاده از عروسک‌هایی که در هوا می‌مانند (مارپونت) ابترای نثار عروسکی بر روی پرده (سایه) و ... می‌توان به تفریح و اهمیت نیایش در نثار عروسکی پی برد» پس از آن دکتر فضیله‌اندین صادقی به بحث درباره «نیایش عروسکی سایه» پرداخت و با تأکید بر اهمیت موسیقی در نثار سایه، توضیحاتی درباره نثار سایه جنس، حاره، عسائی و ایران ارائه نمود.

این جلسات در روزهای بعد با سخنرانی آقایان جهان مک، گیورمیک از انگلستان با موضوع «اسادلات نیایش عروسکی شرق و غرب» رزاسور از فرانسه درباره «نیایش عروسک در نثار معاصر فرانسه» و راک باسیانو از فرانسه درباره «نیایش عروسک» نیایش عروسکی شون» ادامه یافت. هم‌چنین حاسپا: مهر کسرا کومر و جی دن وبرمانی هر دو از هند با برپایی یک کارگاه آموزشی، ساعت چند نوع

عروسک ساده را به نیایش گذاشتند و خانه اسپرمتا شمس از یوگسلاوی درباره نیایش عروسکی در این کشور سخنرانی کرد. وی در سخنان خود به نوعی نثار عروسکی در یوگسلاوی اشاره کرد که مخصوص کودکان نثار و شال می‌باشد و در آن از کتدر خنثایی به عنوان عروسک استفاده می‌شود. همچنین ایسان ده وسوخ نثار عروسکی در بارس این کشور اسارانی نمود که این امر می‌تواند برای مسئولین آموزش و پرورش ما قابل توجه باشد.

جلسات سخنرانی در مکانی نامناسب و با حضور تعدادی اندک برگزار شد و همچنین، سایه به دلیل آسایش نبودن با نثار و نثار عروسکی، اغلب، برجسته‌های نارضا از سخنان هم‌پیمانان خارجی ارائه می‌دادند. تأخیر در شروع جلسات فرصت اندک برای سخنرانان و نیز وجود اختلالات در سیستم صوتی اردیگر مشکلات این جلسات بود.

مهراسم احسانیه

براهام سومین فستیوال بین‌المللی نثار عروسکی تهران در روز دوشنبه ۱ برگزار شد مراسم احسانیه و اهدای یادبودهایی به گروه‌های شرکت کننده و سخنرانان به کار خود پایان داد. در این مراسم «ضحی سبزیگی» عضو و سخنگور هیأت گزینش، گزارش کار فستیوال را تریب کرد.

سپس علی‌مسقطی، مدیر فستیوال پشت تریبون قرار گرفت و طی سخنانی اظهار داشت: «۲۵ هزار تماشاگر از ۲۰ نیایش اجرا شده در این فستیوال دیدن کردند. در کنار برنامه‌های فستیوال، موزه هنرهای نیایشی جهان افتتاح شد. همچنین چاپ و انتشار پنج خبرنامه و یک بروشور در معرفی گروه‌ها یک بروشور در معرفی موزه هنرهای نیایشی جهان به زبانهای فارسی و انگلیسی و چاپ سیس پرسیر ویژه سومین فستیوال از کارهای دیده انجام شده در فستیوال می‌باشد.»

حرف اخیر آن که سرگزار این فستیوال گام عظیمی است در جهت آمیلا نثار در این مروز و مومج به آمد بوری که نثار عروسکی جایگاه اصلی هنر را دارد.

○ ادب و هنر
جشنواره عروسکی

- نمایش سوگ یحیی
- نویسنده و کارگردان: حمیدرضا اردلان
- بازیگران: مهدی لطفی - مینو رضاخانی - ماندانا کریمی - زهرا جهانبین - میترا کریم‌خانی و...
- اجرا: سالن چهارسو - سومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران

داستان،

همیشه بوده و هست...

چیتا یثربی



★ در آخرین روزهای

برقراری جشنواره،

مسئولین باید به پخش پرسشنامه

میان مردمی که از نمایشها

دیدن کرده‌اند، همت گمارده،

و باسنجش نظریات آنها،

ارزیابی واقع‌بینانه‌تری از ماحصل

تلاش خود به دست آورند.



شست»؟! واژه‌ها را هر روز از نو باید شست: لحظه‌ای توفیق و تأمل برای آن که فراموش نکنیم «که هستیم، در کجا هستیم، و به کدام سو روان هستیم»!

۱ و ۲- برگرفته از سوره ماعون، و فلق

۳- از زنده یاد سپهری

۴- به روایت از امام علی (ع)

مقصود از آنچه به میان آمد، نه خرده‌گیری، که دردلی بود با دست‌اندرکاران این جشنواره؛ و راقم برای آنکه به بهانه‌جویی و ایرادگیری صرف متهم نشود، پیشنهاداتی را نیز عرضه می‌دارد، که پیش از این نیز کم‌وبیش از زبان این و آن ناصح عنوان شده، لیکن توجهی به آنها نشده است!

۱- لازم است در پی ختم هر جشنواره، مسئولان ذیربط طی جلساتی، کم‌وکیف کار جشنواره را مورد ارزیابی قرار داده، دلایل و راه‌حلا و نارسائیها را روشن ساخته و تجارب کسب شده را در قالب یک جمع‌بندی روشن، در جشنواره بعدی به کار گیرند.

۲- ضروری است که در آخرین روزهای برگزاری هر جشنواره، مسئولین به پخش پرسشنامه میان مردمی که از نمایشها دیدن کرده‌اند، همت گمارده، و باسنجش نظریات آنان، ارزیابی واقع‌بینانه‌تری از ماحصل تلاش خود به دست آورند.

۳- بدیهی است که مسئولین ذیربط می‌باید به نحو دقیقی به مطالعه آراء و دیدگاههای عنوان شده از سوی ناقدین و مفسرین رسانه‌های گروهی، در باب جشنواره برگزار شده پرداخته، و به دور از هرگونه تنگ‌نظری و رنجشی، نکات انتقادی را مورد تأمل و توجه قرار دهند.

۴- باید در ارتباط با برنامه‌ریزی زمان اجرای نمایشها، ترتیبی داده شود، که گروههای ایرانی و غیر ایرانی شرکت‌کننده در جشنواره، این امکان را بیابند تا از همه اجراهای جشنواره دیدن کنند. چرا که یکی از پیش-اهداف مهم برگزاری این جشنواره‌ها، تبادل تجربیات، و آموختنهای متقابل گروههای نمایشی شرکت‌کننده می‌باشد. امری که موجبات غنی‌تر شدن آموزه‌های طرفین را فراهم آورده، و آهنگ رشد تئاتر عروسکی ما را نیز تسریع خواهد بخشید.

در ختام سخن نباید فراموش کنیم که جشنواره امسال نیز، همچون سالهای گذشته، عرصه تلاش صمیمانه هنرمندان، دست‌اندرکاران، و به ویژه کارکنان زحمتکش تالارها، و پرسنل فنی سالنهای نمایشی بود. اجریشان ماجور اما، باز هم این پرسش وسوسه‌آمیز در پیوندی با فلسفه اجتماعی زندگی در ذهن به جولان در می‌آید: به راستی غرض از برگزاری این جشنواره‌ها چیست؟ راستی اگر آدمی نیازمند آن است که زندگی و هدف از زیستن را، هر روز برای خود معنی کند، آنگاه آیا تئاتر به عنوان ثانی از شئون زندگی اجتماعی نباید با این قاعده فلسفی دم‌ساز شود؟

اری، چه در زندگی، و چه در تئاتر «واژه‌ها را باید

گرایش به خوبی وجود دارد، ولی به دلیل شرایط ظلم و گناه حاکم بر جامعه، فطرتش را به دست فراموشی می‌سپارد و هرگز پا از مرحله عشق مجازی فراتر نمی‌گذارد و اینگونه است که سالومه خود نیز، یک قربانی است. قربانی شرایط مسخ شده جامعه‌ای که هیچ چیز آن با نظام فطری آدمی، در سازگاری ندارد. جامعه‌ای که ظلم بران حاکم است و یحیی در چنین جامعه‌ای است که ظهور پیدا می‌کند.

نمایش با مرگ یحیی به پایان می‌رسد. ولی آیا براستی یحیی مرده است؟ تمام تلاش نمایش حماسی بر این هدف معطوف است که تماشاگر در طول نمایش به تفکر واداشته شود و در پایان نمایش نتیجه بگیرد. اکنون هر کدام از تماشاگران، می‌توانند يك «یحیی» باشند و درون داستان

داستان تازه‌ای نیست. بسیاری از «بی‌شمار کسان» در این داستان زیسته‌اند و بسیاری نیز خواهند زیست. «مرگ زندگی را با خود می‌برد»^۲ من و تو می‌میریم، ولی بشریت باقی می‌ماند و تا وقتی که بشریت هست، هنوز از «بی‌شمار کسان» مانده‌اند که در این داستان، اتفاق بیفتند...

این همان داستان همیشه است، که همیشه بوده و هست. روزی یحیی، درون آن اتفاق افتاد و روزی کسی دیگر. امروز هم در سراسر جهان، افرادی مانند یحیی بسیارند افرادی که در برابر ظلم و گناه می‌ایستند و مقاومت می‌کنند. افرادی همانند یحیی که شرافت، ذاتی وجودشان است و هر روز و همیشه در حال تکرار شدن هستند و از آنجا

★ نمایش روایی ششرق از آنجا شروع می‌شود که شیوه درام‌نویسی غرب پایان می‌پذیرد.

★ از آنجا که داستان «سوغ یحیی» همیشگی است. «بی‌شمار کسان» نیز همیشه هستند.

★ تجربه اگر جدی گرفته شود، گاهی اوقات بسیار موفق‌تر از نتیجه و عمل نهایی جلوه می‌کند.

یحیی، اتفاق بیفتند. چرا که داستان یحیی، حقیقتی است که مرگ ندارد و در اینجا است که اسطوره‌ای چون یحیی، از شکل دور، دست‌نیافتنی و باورنکردنی خود خارج می‌شود و همه مردم را درگیر می‌کند. در واقع اسطوره یحیی در میان جمع، همه‌گیر می‌شود و همه را تبدیل به یحیی می‌کند یحیی تبدیل به مردم می‌شود و در اینجا دیگر شخص یحیی نیست که اهمیت دارد، بلکه داستان یحیی پیامبر است که حقیقی و ابدی است. این داستان به کل بشریت باز می‌گردد. شخصیت یحیی او را جاودانه نکرده است، بلکه عملش، او را همیشگی کرده است و این عمل از هر که سر بزنند، می‌تواند یحیی دیگری باشد و به این گونه قیام یحیی حتی از اساطیر هم فراتر می‌رود، زیرا اساطیر، در نظر مردم امروز، باورنکردنی و افسانه‌ای به نظر می‌رسند و در واقع بشر امروز به فراموشی اساطیر تمایل دارد ولی «بی‌شمار کسان» که درون داستان یحیی، حرکت و عمل می‌کنند، همان اندازه باورکردنی و حقیقی هستند که من و تو

که داستان، همیشگی است، این بی‌شمار کسان نیز، همیشه هستند. پس داستان یحیی پیامبر، داستانی نیست که یکبار برای همیشه، اتفاق بیفتد و تمام شود. همانگونه که سالومه نیز تنها یکبار درون داستان اتفاق نیفتاده است. سالومه مظهر تمام وسوسه‌های زمینی و سمبلی از ویژگی‌های انسانی است. انسانی آنچنان درگیر نفس خویش که به جز خویشتن چیزی نمی‌بیند و از اینرو، فطرت اصیل خود را به دست فراموشی می‌سپارد و دچار عشق مجازی می‌شود. او خواستار تصاحب تمام زیباییها برای خویش است و درست به همین دلیل، عشقش با شکست مواجه می‌شود و هرگز به عشق حقیقی مبدل نمی‌شود. چرا که سالومه نه به حقیقت می‌اندیشد و نه دغدغه مردم را دارد. او تنها تقاضا می‌کند، نه از آن‌رو که حقیقتاً عاشق است، بلکه بیشتر از آن جهت که خواستار است. او می‌خواهد تمام زیباییها را به چنگ آورد و در انحصار خود داشته باشد. برای او نفس پیرزوی مهم است. هر چند که در فطرتش،

و هر کس دیگر! پس این داستان، همیشه جاری است و مانند هر داستان دیگری منتظر است تا بشریت در آن حرکت کند و این ویژگی، تمام داستان‌های بشری است. داستانها همیشه وجود دارند. هر صبح که از خواب برمی‌خیزیم، يك داستان در انتظار ماست. مهم این است که خود را در جریان کدام داستان قرار دهیم. این انسان است که داستان زندگی خود را انتخاب می‌کند و با این انتخاب، شیوه زندگی را تعیین می‌کند. این راز روایت است و روایت است که آدمی را به حقیقت ارجاع می‌دهد و این راز «سوگ یحیی» است که در سومین جشنواره عروسکی، شاهدش بودیم.

«سوگ یحیی» با رقص زیبای سالومه آغاز می‌شود و با همین رقص نیز پایان می‌پذیرد. اما میان این دو رقص تفاوت بسیار است. همانگونه که میان ابتدا و انتهای نمایش.

رقص سالومه در آغاز نمایش، استعاره‌ای از تمام انگیزه‌ها و خواسته‌های درونی و دنیایی اوست. نشانه‌ای از اینکه سالومه می‌تواند حامل بدی باشد. در واقع این حرکات موزون و زیبا به نشانه تقاضا و تمنای درونی او برای تصاحب تمام زیباییها و به انحصار گرفتن آنهاست. این رقص در ابتدای نمایش، بخوبی ماهیت عروسکی سالومه را به تماشاگر انتقال می‌دهد. اما رقص پایانی او پس از مرگ یحیی، نشانه پیروزی او در انجام عملی است که در ذهن می‌پروراند است. اینک داستان به وقوع پیوسته و یحیی کشته شده است، اما پیروزی سالومه نیز، مانند هدفش، مجازی و دور از حقیقت است. سالومه زمانی بسوی یحیی گرایش پیدا کرده بود، این گرایش پنهان این است که هنوز در فطرتش تمایل به خوبی وجود دارد. ولی شرایط گناه‌لود و ظالمانه روزگار، فطرت او را تحریف می‌کند. در نتیجه، این عشق حقیقی نمی‌شود. چون اگر حقیقی می‌شد، سالومه باید مانند یحیی جانش را از دست می‌داد. در واقع در بطن پیروزی سالومه و در عمق رقص دلفریب پایانی او، نومییدی ابدی‌اش نهفته است. او با عشق مجازی خود هرگز نمی‌تواند پا از عالم واقع فراتر بگذارد و به حقیقت دست یابد. بهمین دلیل، گرایش فطری او به یحیی، تنها باعث نابودی یحیی می‌شود و این درد بزرگی است که سالومه با رقصین قصد فراموش کردنش را دارد.

سوگ یحیی، یزابه گفته کارگردان گروه، تلاشی در جهت نزدیکی به زبان روایی و شرقی است و همانگونه که از نمایشهای روایی انتظار می‌رود، هیچ تأکیدی بر شخصیتها صورت نمی‌گیرد و در واقع نمایش با

تمرکز و توجه بر داستان، پیش می‌رود. بازیگران تا حد ممکن از نظر عاطفی، با شخصیت‌های نمایش همگون نمی‌شوند و تنها اندیشه آنان را به روی صحنه عرضه می‌کنند و در واقع به روایت داستان می‌پردازند. راوی با حذف دیوار چهارم، همه چیز را رودرروی تماشاگران می‌گوید و حتی به چشم تماشاگران نگاه می‌کند. حضور سنگین او در میان جمع بشدت احساس می‌شود. او داستان یحیی را انگونه که یحیی در آن زیسته و دست به عمل زده است، بیان می‌کند و در واقع با این عمل خود، قصد دارد که تماشاگر را به دنیای حقیقت ارجاع دهد و او را به نظام فطری خود که سرچشمه تمام پاکها و ارزشهای اصیل (مانند عشق، راستی، صداقت، عدالت و...) است، باز گرداند. به همین منظور، نویسنده و کارگردان نمایش، سعی کرده است که تا حد ممکن از شیوه‌های معمول داستان‌نویسی دراماتیک فاصله بگیرد و در اجرا نیز، تا حد ممکن، از تاثیرات عاطفی درام، دور باشد، این تلاشها گرچه در يك نگاه کلی، موفق جلوه می‌کند، ولی در بعضی از فرآیندهای نمایش، حال و هوای درام احساس می‌شود و به نظر می‌رسد که نمایش از خط روایی خود دور و به فضای عاطفی درام نزدیک می‌شود. فرآیندهای عاطفی به ویژه در مکالمات میان سالومه و یحیی محسوس تر است. این مشکل را باید زاینده تلاش آگاهانه گروه برای طرد زبان



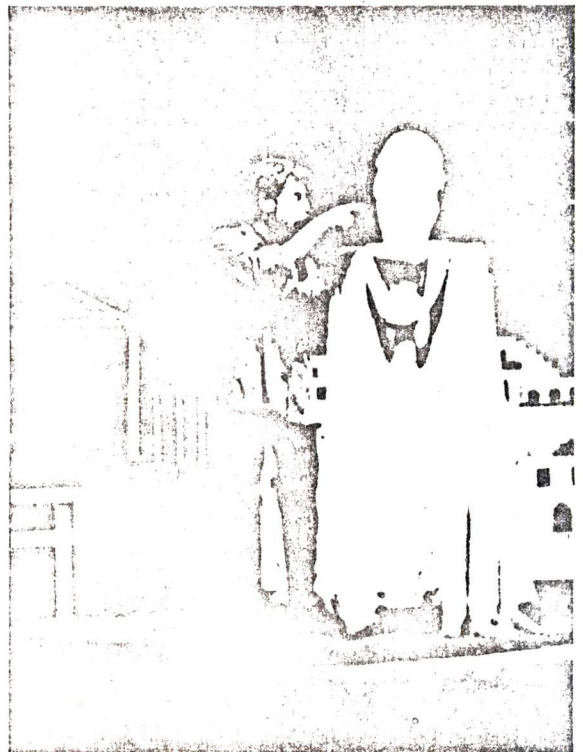
درام و رسیدن به بیانی معاصر و مؤثر دانست. بدیهی است که این امر در اوایل کار، باسانی امکان‌پذیر نیست و تجربه و مطالعه عملی بیشتری را می‌طلبد. گروه خودش معترف است که هنوز در این زمینه جوان است و زیان‌ش برای نمایش‌روایی و شرقی کامل نیست. به همین دلیل گرچه آگاهانه تن به تأثیرات درام نمی‌دهد، ولی به دلیل عدم دست‌یازی به زبانی کاملاً روایی، هنوز نمی‌تواند به طور کامل از حیطه تأثیر درام رهایی یابد. به همین دلیل در بعضی از فرازهای «سوک یحیی» ما با تأثیر درام مواجه هستیم و گروه نمایش نیز به این تأثیرات آگاهی دارد. و این اجرا را تنها تجربه‌ای برای رفع این تأثیرات می‌داند.

نویسنده در داستان‌پردازی متن نمایش، سعی کرده است که تا حد امکان از شیوه داستان‌پردازی درماتیک فاصله بگیرد و این تلاش او در جهت اجرای روایی کار، ضروری به نظر می‌رسد. چرا که در نمایشهای حماسی شرق، مانند تعزیه، نقالی و خیمه‌شب‌بازی، شخصیت‌پردازی به شیوه درام غرب صورت نمی‌گیرد و عدم توجه به این مسئله سبب سقوط نمایش در دامان درام خواهد شد و این نکته حساسی است که نویسنده نمایش به آن توجه کافی

بر اساس حقیقت بنا شده است و مفاهیم (برداشت‌های) مختلف افراد در معنای واحد آن تغییری ایجاد نمی‌نماید. چون در نمایش، شخصیتی به مفهوم درام، وجود ندارد، صحنه‌هایی از این نمایش، مشابه صحنه‌های کارهای دیگر گروه به نظر می‌رسد. ظاهراً گروه آگاهانه به این تکرارها مبادرت می‌ورزد تا بتواند به تأثیرات دلخواه خویش دست یابد. مثلاً صحنه زیبای مرگ یحیی و ریختن خون او، که با تکه پارچه‌های قرمز نشان داده می‌شود، قبلاً در نمایش «ذبح اسماعیل» از همین گروه دیده شده بود. به نظر کارگردان نمایش، خوبی، خوبی است و این خوبی هرچا که لازم است، باید نمود پیدا کند. و هیچ مهم نیست که اگر به یک شکل در دو کار متفاوت نشان داده شود. مهم، حقیقت صحنه‌هاست.

در سوک یحیی، به منظور دست یافتن به تأثیرات لازم نمایشی روایی، تلاش‌های خاصی از سوی گروه صورت گرفته است که علاوه بر کسب تجربه‌های تازه‌ای در حیطه زیبایی‌شناختی، از نظر معنایی و دست‌یابی به نمایش اصیل شرقی نیز واجد اهمیت است. این گروه برای رسیدن به بیان مناسب خود، ناگزیر از تجربه است. چرا که کارش، الگوبرداری از کار دیگران و خصوصاً «پرشت» نیست و نمی‌تواند باشد. پرشت به دلیل عدم برخوردار از پشتوانه‌های غنی چون تعزیه، نقالی و نمایشهای شرقی، نمی‌توانست آنگونه که می‌خواهد، خود را از حیطه تأثیرات درام برهاند. اما این گروه با تعمق و مطالعه در فرهنگ نمایش شرقی و با بهره‌گیری از ابتکارات و نوآوریهای خاص خود، نشان می‌دهد که «جستجوگر» است و تقلید از الگوهای متداول و ذهن‌پرکن، راضی‌اش نمی‌کند. ولی هر تجربه‌ای، با اخذ دستاوردهای تازه‌ای همراه است. «سوک یحیی» نیز چنین دستاوردهایی را به همراه داشت. از جمله نکات مثبت این کار، می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

۱ - استفاده صحیح و مناسب از رنگها که برگرفته از فرهنگ نمایشهای ایرانی، مانند تعزیه است. همانگونه که در این نمایشها، رنگ مشخص‌کننده خیر و شر و تکلیف آدمها می‌باشد، در این نمایش نیز به تأثیر ارزشی رنگها توجه شده بود و مثلاً استفاده از رنگ سبز (شمال سبز یحیی) به راحتی می‌توانست در بافت نمایش‌های شرقی ما جا بیفتد و با تماشاگر ارتباط برقرار کند و در واقع به مثابه نوعی کد عمل کند (لازم به ذکر است که کارگردان در استفاده از رنگها، دقت زیبایی‌شناختی خاصی نیز به کار برده بود) ۲ - استفاده بجا و همزمان از سه عامل ماسک، عروسک و انسان به منظور پیشبرد داستان. ۳ - نشان دادن یک شهر



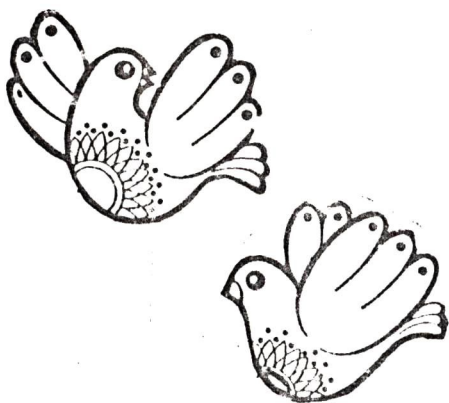
داشته است. گروه بشدت تلاش کرده است که از عمده کردن فرد بهره‌یزد و داستان را عمده کند. داستانی که



برای گروهی هدفمند که فارغ از دغدغه‌های کاتب و فریب‌دهنده، تنها به کسب تجربه و جستجو در وادیهای ناشناخته می‌پردازد، هیچ چیز مهمتر از صرف حرکت نیست و همیشه رفتن، معنای رسیدن می‌دهد، و رسیدن معنی ادامه دادن... این جمع جوان نمایشی، بخوبی نشان داده است که همیشه در حال حرکت است و هرگز به نتایج کوتاه‌مدت کارش دل خوش نمی‌کند و نگاهش را از آن دورها بر نمی‌گیرد. هر تجربه را مانند پله‌ای برای صعود به پله بالاتر تلقی می‌کند و پله بالاتر برای او نزدیکی بیشتر به حقیقت است. این گروه با نمایش موفق «سَنجاقک و سنگ سیاه» در دومین جشنواره نمایش عروسکی تهران شرکت کرده بود و امسال نیز با نیت دو کار جدید در کارنامه خود (اصحاب سبت و سوگ یحیی) پویایی خود را به اثبات رساند. جوان است و نوپا، گرچه معترف است که هنوز به نتیجه نرسیده و تنها در مرحله تجربه کردن است، ولی با مقایسه کار این گروه با دیگر کارهای جشنواره امسال بخوبی می‌توان دریافت که تجربه اگر جدی گرفته شود، گاهی اوقات بسیار موفق‌تر از نتیجه و عمل نهایی جلوه می‌کند. شرکت «سوگ یحیی» در سومین جشنواره نمایش عروسکی تهران، این حقیقت را به اثبات رساند. □

و جلوه‌های آن تنها با استفاده از انگشت (که یکی از زیباترین ابتکارات کار محسوب می‌شد). ۴ - تبدیل مناسب ماسک، عروسک و راوی به هم، در جهت نشان دادن ظرفیتهای پنهانی نمایش روایی، مثلاً در صحنه شادمانی مردم شهر، رقص دستها به شادمانی و رقص عروسکها تبدیل می‌شد که این صحنه، یکی از زیباترین فرازهای کار بود و البته حرکات موزون «لان رضاجویی» نیز در خلق این زیبایی نقش بسزایی داشت. ۵ - تولید انبوه عروسک تنها با بکارگیری چند چوب، ساده و چند تکه پارچه. ۶ - صحنه موفق جزرچی‌ها در کوچه‌های شهر و صحنه حرکت تابوتها که بسیار ماهرانه به اجرا درآمد. ۷ - فرازهای موفقی که در آنها راوی با صدای یکنواخت خود، متنی شبیه دعا را قرائت می‌کرد. لحن یکنواخت راوی و محتوای خاص مطلبی که می‌خواند گرچه عربی نبود، ولی مانند زمزمه آرامش بخش يك دعا روی تماشاگر اثر می‌گذاشت و یکی از ابتکارات موفق و تازه نمایش محسوب می‌شد (که در کارهای قبلی گروه شاهدس نبودیم). ۸ - نورپردازی جاذب و مناسب فضای نمایش که به صحنه و دکور شکوهی خاص بخشیده بود. تأکیدهای مناسب موسیقی و طراحی صحنه هماهنگی که علاوه بر تاثیر زیبایی‌شناختی، فضای مناسب را در جهت بیان حماسی داستان، پدید آورده بود. ۹ - و بالاخره بازی روان و قابل انعطاف کلبه بازیگران و عروسک‌گردانان نمایش که روی صحنه، عواطف يك یا چند شخصیت را به تماشاگر انتقال ندادند، بلکه به شیوه‌ای ماهرانه، به روایت يك داستان همیشگی پرداختند. در اینجا خصوصاً باید به بازیهای خوب مهدی لطفی و مینو رضاخانی در موفقیت اجرایی کار اشاره داشت.

نگاهی به سومین جشنواره نمایش عروسکی بین المللی تهران



سومین جشنواره، صعود یا نزول؟



که جشنواره سوم از آن رنج می برد، و در پی آمد همین کاستی ها بود که چند گروه خارجی موفق به اجرای نمایش خود نشدند، و همین شتابزدگی است که ارزش يك جشنواره بین المللی را در سطحی نازل پایین می آورد.

سومین جشنواره در سه بخش نمایشهای ایرانی - خارجی و سمینار، کار خود را آغاز کرد. در بخش نمایشهای ایرانی یازده نمایش شیرین تر از پرواز - ولوله در اطاق - یکی بود یکی نبود - داستان لطیف - خیمه شب بازی - هفت خوان رستم - اصحاب سبت - سوگ یحیی - بابا بزرگ و ترب، خیمه شب بازی، جی جی بی جی شرکت داشتند که در این میان داستان لطیف به دلیل قابلیت ویژه عروسکی اجرائی موفق داشت و نیز «سوگ یحیی» از مرکز تئاتر تجربی دانشکده هنرهای زیبا به دلیل نوآوری و تلاش در این حیطه به منظور دستیابی به شگردهای شرقی عروسکی حائز اهمیت بود. همچنین نمایش «جی جی بی جی» از شیراز نیز درخور توجه بود. «ولوله در اطاق» در طرح ضعیف و نارسا عمل می کند و تلاش و خلافت های فردی بازیگران نمی تواند کار را نجات دهد. «شیرین تر از پرواز» تنها يك قصه ادبی است و کارگردان هیچ تلاشی برای تنظیم نمایش آن به خرج نداده و بدیهی است که از نیمه های کار، نمایش به خستگی تماشاگر منجر می گردد، و تنها نمایش شروع زیبا و جالبی دارد که اگر تمامی کار به همان شیوه دنبال می شد بسیار موفق و خلاق جلوه می کرد.

تئاتر عروسکی در ایران سابقه ی چندانی ندارد، اما برپایی جشنواره های بین المللی در این زمینه حرکتی نوید بخش است، تا چندی پیش این هنر تنها در برنامه های تلوویزیونی و کودکان محدود مانده بود، اما ایجاد و راه اندازی چنین فستیوال هایی تربیر و فضای تازه ای است تا نمایشگران این رشته با جدیت و علاقه بیشتری در عرضه رقابتهای بین المللی، ارتباط به تبادل آثار هنری بپردازند، پس بیش از هر چیزی باید کار را جدی بگیرند و خود را باور کنند.

سومین فستیوال بین المللی نمایش عروسکی تهران که از ۲۱ لغایت ۲۶ شهریورماه برگزار گردید، گامی در جهت نزدیک تر کردن مناسبات نمایشی میان عروسک گران ایرانی و خارجی است تا در این فرایند افق های تازه ای را به تجربه بنشینند، سومین جشنواره نسبت به دو جشنواره پیشین مخصوصاً جشنواره سال گذشته نزول کیفی داشته است، این پسرفت چه در نمایش های ایرانی و چه در نمایشهای خارجی انتخاب شده به وضوح مشهود بود و اگر از دو کار ژاپن و اسپانیا بگذریم باقی کارها از کیفیت چشمگیری برخوردار نبودند، و این رکود چنان در کارهای ایرانی مشاهده می گردید که تنها می توان به يك کار استناد جست و بعضاً شباهتگی و قابلیت شرکت در يك جشنواره بین المللی را نداشته اند. عدم برنامه ریزی صحیح و هماهنگی از مشکلات دیگری بود

«علاء الدین و چراغ جادو» را در تالار هنر به صحنه آوردند که چندان طرفی نیستند.

سمنار و جلسات سخنرانی در حیطه تئاتر عروسکی همه روزه در ایام جشنواره در تالار وحدت برگزار می گردید که در آن دکتر قطب الدین صادقی و بهروز غریب پور از ایران و خانم مهرکز اکتور از کشور هندوستان، ژرار استور از فرانسه، اسپونکا اشمیتس از یوگسلاوی پیرامون تئاتر عروسکی سخنرانی کردند.

یکی از کمبودها و کاستی های این جشنواره عدم تبایغ و اطلاع کافی در رسانه های عمومی بود و ضعف در انتشار بولتنی روزانه که پس از برنامه پایانی جشنواره آن هم در شکلی زیراکسی با مطالبی بسیار محدود که عین آن در بروشور جشنواره منعکس شده بود با تعدادی محدود در اختیار مدیران قرار گرفت و بقیه شرکت کنندگان و خبرنگاران از فیض دیدن آن محروم شدند، باری، تماشاگر با هیچ گونه توضیح و اطلاع قبلی در خصوص نمایش ها وارد سالن می شد، که پوستن ها در واقع شناسنامه مکتوب هر جشنواره می توانند باشند. جشنواره اختتامیه ای باشکوه داشت که بر رونق جشنواره می افزود.

سومین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران تریبون مهمی برای انعکاس زریدها و تجربیات تئاتر عروسکی ایران است که می بایست هرچه بیشتر با برنامه ریزیهای دقیق و اساسی پررنگتر گردد، به امید آن روز.

خیمه شب بازیهای ایرانی همیشه تازگی خود را دارند و مدام می توانند با تماشاگر به ارتباط لازم برسند، به هر ترتیب نمایشگران عروسکی ایرانی در این جشنواره به عنوان میزبان حضور کم رنگ و ضعیف داشتند.

در بخش گروههای شرکت کننده خارجی که طرفداران پرو پا قرص داشت متأسفانه کارهای ارائه شده این انتظار را برآورده نمی ساخت.

«هد هد و شاهزاده» را گروه عروسکی سوئیس با تأخیر سه روزه در تالار سنگلج به صحنه بردند، این نمایش که از افسانه های ایرانی سرچشمه گرفته است از لحاظ تکنیک اجرایی نکات درخور توجهی دارد اما نگاه بیشتر غیرایرانی است، اگرچه بازی دهندگان گاه به زبان فارسی تکلم می کنند، و از موسیقی ایرانی بهره می گیرند، اما کار هنوز حال و هوای ایرانی به خود نگرفته است اما روی هم رفته تلاش آنان برای اجرای يك کار ایرانی ستودنی است، هرچند که نورپردازی نامناسب تماشاگر را بسیار آزار می دهد. موضوع نمایش درباره ی سفر شاهزاده ای است که در جستجوی هد هد طلایی است تا قلمرو پادشاهی را نجات دهد و او را شفا بخشد، این نمایش در چادر کولی ها اتفاق می افتد که نقال با سرک دادن عروسکها داستان را بازگو می کند.

«تخیلات گوناگون» کبار گروه تئاتر عروسکی ژاپن در سالن چهارسو با تماشاگران لبریز یکی از پرطرفدارترین برنامه های جشنواره است، این نمایش که از نه قطعه ی کوتاه با نامهای عملیات اکروبانیک - موج - رویای تاب - هراس - جنگ ستارگان - حرکات موزون میمون با چتر - سراب، شیب و کالسکه - راسپودی شبان تشکیل شده بازی دهنده با مهارت و تمرکز فوق العاده ای عروسکها را با نخهای فراوان به تحرك وای دارد که بسیار جالب و دیدنی است.

در سالن شماره ی دو نمایش «در جستجوی آقای دون کریستوبال» از گروه سیار اسپانیا به اجرا درآمد که تماشاگران زیادی را به خود جلب کرد، این کار که با موسیقی زنده اسپانیایی همراه بود با عروسکهای ساده و کوچک خود به شیوه دستکشی در سه اپیزود تماشاگران را در ارتباطی زنده به شادی و خنده برمی انگیزخت، بالودگی حرکات عروسکی در عین کوچک بودن بسیار سریع و شگفت انگیز بود و تماشاگر به راحتی با کار به ارتباط می رسد، و جنبه های کمدی کار را می پذیرد.

تئاتر عروسکی در کشورهای بلوک شرق مخصوصاً لهستان رشد و پیشرفت فراوانی کرده است، در جشنواره سال گذشته نیروی لهستان دو نمایش عروسکی بسیار زیبا در تهران به اجرا درآورد، اما «افسانه ای درباره يك اژدهای خوب» علی رغم به کارگیری تکنیک ساده و ملموس و تلفیق عروسک و بازی بازیگران چندان توجه تماشاگران را به خود معطوف نساخت ولی تحرك و سرعت عمل بازی دهندگان قابل ستایش بود.

دو گروه هند و پاکستان نمایشهای «آمارسینگ راتور» و

نخستین جشنواره تئاتر بسیج شهرستان مرند گشایش یافت

مرند - خبرنگار روزنامه جمهوری اسلامی: نخستین جشنواره تئاتر بسیج شهرستان مرند افتتاح شد. براساس این گزارش این جشنواره که با شرکت ۹ گروه نمایشی از پایگاههای مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مرند برگزار می شود، به مدت ۱۰ روز در سالن

آمنی تئاتر سپاه این شهرستان ادامه خواهد داشت که طی آن پس از اجرای کلیه نمایشنامهها يك گروه نمایشی برتر جهت شرکت در جشنواره سراسری که در ایام هفته بسیج در مشهد مقدس برگزار خواهد شد، معرفی می گردد. در این جشنواره که به همت واحد تبلیغات و انتشارات سپاه پاسداران مرند به اجرا در می آید، نمایشنامههای در گرداب مرگ، کار واحد هنری ستاد ناحیه ۲ فجر «میتاق دیگر» از پایگاه مقاومت منتظرالشفاهه، «مجمسه» از پایگاه شهید ملکی و شهید دهقان پور، «کلپتولاسیون» کار پایگاه شهدای

زبور، «وداع» از پایگاه شهید اورانی به روی صحنه می آید و در آن يك گروه به عنوان مهمان و يك گروه به عنوان میزبان شرکت دارند که با یکدیگر به رقابت خواهند پرداخت. در مراسم افتتاح این جشنواره که جمعی از مسئولین این شهر و عده کثیری از علاقمندان به برنامههای فرهنگی و هنری حضور داشتند، فرماندار مرند پیرامون مسائل فرهنگی و هنری در جامعه اسلامی مطالبی بیان داشته و از دلاوریهای بسیجیان تجلیل نمود و در پایان این مراسم نمایشنامه فرقه ارغوانی کار واحد هنری سپاه مرند به نمایش در آمد.

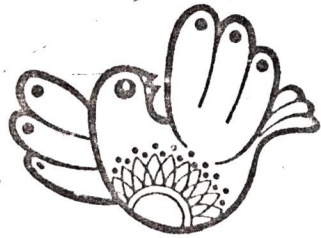
روزنامه: قضیلت ۷۷ تاریخ: ۱۰/۷/۷۰

جشنی شاد در تئاتر شهر

شاهزاده جرج کوچولوی شجاع، تنها پسر جرج بود که در قلمرویی سبز حکمرانی می کرد. او ماجراهای بسیاری پشت سر گذاشت و برای اینکه بتواند با شاهزاده خانمی ازدواج کند باید بر ارتشی بزرگ غلبه کرده و يك ازدهای بزرگ را بکشد. بنابراین شاهزاده باید به جستجو می پرداخت و منها ازدهای کشور سبز را می یافت. وی سرانجام در يك روز تابستان يك حیوان عجیب می بیند.

این آغاز داستان شاهزاده جرج و مقابله او با ازدها (کیونکیو) است که به دوستی ازدها می انجامد. غلبه او بر مخالفین و بد کاران و سرانجام رسیدن به آرزوی خود و ازدواج با شاهزاده خانم.

یکی از رسالتهای نمایشی که قرار است برای مخاطبین خردسال عرضه شود گسترش دادن میدان تخیل و اندیشه کودک است



در سومین جشنواره بین المللی نمایشهای عروسکی تهران به دیدن نمایشی می پردازیم که خواهان بسیار دارد و بعلت شلوغی سالن و ازدحام جمعیت که حتی روی پله های سالن اصلی تئاتر شهر نشسته اند با نیم ساعت تاخیر آغاز می گردد، نمایش «افسانه ای در باره يك ازدهای خوب» به کارگردانی «آندره نی لایتیک» از لهستان و به زبان لهستانی برای کودکان، نمایشی ساده و چنان که از داستان آن پیداست با ساختار قصه های کهن ولی با يك تفاوت جزئی اما اساسی که عبارت

تئاتر کنونی جهان سادگی و شرکت تماشاگر در اجرا را می‌پسندد



حرکات آنان با آهنگها با شرکت تماشاگران خردسال تکمیل گشته و مجموعاً جشنی شاد را در سالن اصلی تئاتر شهر بوجود می‌آورد و همه عوامل فوق‌الذکر دست به دست هم داده و امکان ارتباطی نزدیک و زیبا بین نمایش روی صحنه و تماشاگران آن فراهم می‌سازند و این در حالی است که هیچک از تماشاگران زبان لهستانی را نمی‌دانند.

این نمایش یکی از اجراهای خوب عبرت‌انگیز جشنواره چهارم بود، آری دوستان تئاتر کنونی جهان سادگی و شرکت تماشاگر در اجرا را می‌پسندد، در این سمت و سو بیاندیشیم!

بهرام

است از تبدیلی شدن ازدهای همیشه بد افسانه‌ها به يك عنصر مثبت و حتی قهرمان اصلی نمایش، که این خود روزنه‌ای بر شکل دیگر از اندیشیدن در مقابل کودک، برای اینکه بتواند توانایی تفکر در مورد آنسوی قضایایی که بطور قالبی به وی تحویل می‌دهند را داشته باشد، نمایش با سه تن که هم عروسک گردان و هم بازیگر هستند اجرا می‌شود و با تلفیقی از بازیگر، ماسک و عروسکهایی دستکشی که بیشتر به عروسکهای معمولی بازی کودکان شبیه است. و از لحاظ تکنیکی بسیار ابتدایی می‌نمایند، ضمناً در نمایش از دکور و وسائل زیادی استفاده نشده که همه این مسائل نشانه‌های گرایش کنونی تئاتر دنیا در تمامی عرصه‌ها به ساده‌گرایی و تخیل تماشاگر هستند و این بخصوص در مورد نمایشی که قرار است برای مخاطبین خردسال عرضه شود و یکی از رسالت‌های گسترش دادن میدان تخیل و اندیشه کودک است اهمیت بیشتری می‌یابد و گوشزدیست به آن گروه از دست‌اندرکاران تئاتر کودک و نوجوان ما که فکر می‌کنند: تجمل بیشتر نمایش بهتری بوجود خواهد آورد.

در نمایش فوق عروسکها با چهره ثابت خود بیشتر محملی هستند برای بازی عروسک گردانان و تماشاگر. کودک باید با دیدن آنان و حرکات چهره و بدن عروسک گردانها خود حرکات عروسکها را در ذهن خویش مجسم سازند و می‌توان گفت کار نمایش فوق از تجربه‌های کودک در بازی با عروسکهایش بهره جسته است ضمناً در استفاده از وسایل نیز از تخیل کودک بهره‌برداری شده و بطور مثال با يك میله و يك پارچه مناظر و مکانهایی چون کوه و دشت و طی مسیر شاهزاده جرج کوچک از آنها تصویر می‌شود و یا از پارچه مزبور که دور و دارد بعنوان جامه‌ای برای شخصیت‌های متفاوت و صحنه‌های گوناگون استفاده شده و بدین ترتیب در کنار بیان داستان به کودک درس داده می‌شود که چنان می‌توان از وسایل بظاهر بی‌اهمیت نمایشی ساخت یا بازی کرد. موسیقی شاد، آوازهای دسته جمعی بازیگران و هماهنگی

خبرهای صحنه



خبرهای کوتاه از تئاتر

* نمایش «آدمک

چوبی» براساس داستان معروف پینوکیو، به کارگردانی: جهانگیر طاهری در سالن قشقایی تئاتر شهر بر روی صحنه است.

شرکت: ثریا قاسمی، اردلان شجاع کاوه و... در سالن اصلی تئاتر شهر، در این نمایش خانم ثریا قاسمی بعد از مدتها دوباره بر روی صحنه می‌آیند.

نمایش در شهریور ماه امسال نیز اجرا داشت که اجرای آن تعدید شده است.
* نمایش «سوء تفاهم» اثر: آلبر کامو به کارگردانی: علی پویان و با

* نمایش عروسکی «داستان لطیف» نوشته و کار: ایرج طهماسب از اول مهر تا هفتم همین ماه همه روزه در سالن چهارسوی تئاتر شهر بر روی صحنه است این

نمایش عمومی

۸۰ میلیون تومان اعتبار برای اجرای برنامه‌های تئاتر

وی گفت: این میزان اعتبار نسبت به سال گذشته ۵۵ درصد افزایش نشان می‌دهد. وی افزود: این اعتبار صرف اجرای ۲۴ جشنواره تئاتر منطقه‌ای و انجام چند برنامه مدون دیگر این مرکز خواهد شد.

وی در تشریح برنامه‌های این مرکز برای تربیت و ارتقاء سطح آگاهی‌های مربیان تئاتر گفت: در سال جاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی هنرهای نمایشی برای هنرمندان حرفه‌ای و هنرمندان برگزیده شهرستان‌ها در تهران زیر نظر مدرسین فرانسوی تشکیل خواهد شد.

وی افزود: در سال جاری دهمین جشنواره تئاتر سراسری فجر با شرکت تعدادی از گروه‌های نمایشی کشورهای اسلامی برگزار می‌شود.



علی ستنظری سرپرست مرکز هنرهای نمایشی

به منظور گسترش و اشاعه هنر تئاتر ملی سال جاری ششمصد میلیون ریال اعتبار تخصیص یافته است. این مطلب را ستنظری رئیس مرکز هنرهای نمایشی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام کرد.

دعوت از گروه خیمه شب بازی ایران برای شرکت در فستیوال جهانی فرانسه

عروسکی جهان می‌باشد از گروه خیمه شب بازی ایران دعوت شده تا در این فستیوال برنامه خود را اجرا کند. لازم به ذکر است مراسم روز جهانی یونینما (اتحادیه نمایشگران عروسکی جهان) در حاشیه فستیوال برگزار می‌شود.

گروه خیمه شب بازی استاد احمدی از ایران در فستیوال جهانی نمایش عروسکی «شارل-ویل» - «مزیه» در فرانسه شرکت خواهد کرد.

به گزارش واحد هماهنگی مرکز هنرهای نمایشی در این فستیوال که بهترین فستیوال

اجرای نمایش خیمه شب بازی

در خانه جانبازان کلن

نمایش عروسکی خیمه شب بازی در خانه جانبازان ایران در نزدیکی شهر کلن به اجرا درآمد. به گزارش واحد مرکزی خبر از بن به دعوت مسئولین خانه جانبازان ایران نمایش عروسکی «عروسی سلیم خان» کار گروه نمایش عروسکی استاد «احمد خمسه‌ای» که



برای شرکت در فستیوال هنر ایران در شهر دوسلدورف دعوت شده به اجرا گذاشته شد. این نمایش مورد استقبال شدید جانبازان عزیز کشورمان قرار گرفت و یکی از مسئولین این خانه وجود برنامه‌های فرهنگی و هنری را برای جانبازان بسیار سودمند توصیف کرد.

بیانیه کانون ملی منتقدان تئاتر در پیرامون برگزاری سومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی تهران

به دلایل برگزاری سومین جشنواره بین‌المللی تئاتر، کانون ملی منتقدان تئاتر بیانیه‌ای صادر کرد که از نظر می‌گذرد:

تئاتر عروسکی در دهه‌های اخیر با کشف قابلیت‌های ویژه خود و توانمندیهای صحنه‌ای مه‌رود تاج‌ایگاه تازماری در هنر نمایش به خود اختصاص دهد.

این هنر با زبان فراگیر خود، ساحت و گستره خلاقیت خویش را از حیطه محدود تئاتر کودکان به عرصه بزرگسالان گشانده و اخیراً به عنوان شاخه و شعبه‌ای از هنرهای نمایشی به حیات پویای خود ادامه می‌دهد. برگزاری سومین جشنواره بین‌المللی، نمایش عروسکی تهران در پی دو جشنواره پیشین گامی مثبت و ارزنده است که می‌تواند ضمن اعتلاء و اعتبار بخشیدن به تئاتر عروسکی و اشاعه آن در کشورمان، تداوم و تسهیل تجارب هنری با هنرمندان دیگر کشورها را نیز به‌پدید بخشد.

برگزاری چنین جشنواره‌ای به لحاظ اعتبار جهانی از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار است، بنابراین شایسته است مسئولان امر جدیدیت و عنایت بیشتری نسبت به این جشنواره معطوف دارند. مخصوصاً توجه برگزار کنندگان جشنواره‌ها را به این نکته اساسی جلب می‌کنیم تا جشنواره‌ها به تدریج به یک رویداد به‌حاصل و به مراسمی احیاناً تشریفاتی بدل نشوند.

آنچه که در سومین جشنواره تئاتر عروسکی پیش از هر چیز نمود داشت عدم برنامه‌ریزی اصولی برای برگزاری یک جشنواره بین‌المللی بود. این ضمه‌ها به وضوح چه در انتخاب نمایشهای شرکت‌کننده و چه در برنامه‌ریزی‌های جاری قابل رؤیت بود.

کانون ملی منتقدان تئاتر معتقد است هیئت انتخاب و ستاد برگزاری جشنواره‌ها باید متشکل از افرادی که دارای شایستگی لازم از نظر تخصص، تمهد و قدرت اجرایی‌اند، باشد.

در یک نگاه کلی، نمایشهای این جشنواره از کیفیت مطلوب و ایده‌آلی برخوردار نبود، برخی کارهای ایرانی فاقد ارزشهای لازم برای شرکت در یک جشنواره بین‌المللی بودند.

جشنواره در مجموع، در مقایسه با سال پیش، از بضاعت هنری کمتری برخوردار بود.

انتظار اینست که رویدادهای هنری، هر سال با تکیه بر تجارب گذشته افقهای تازماری را تجربه کند و فرایند تازماری را به تازماری عروسکی کشورمان به‌افزاید.

کانون ملی منتقدان تئاتر، توجه هیئت برگزاری را به این نکته جلب می‌کند که در انتخاب و اجرای نمایشهای دیگر کشورها، به ششونات اسلامی و انقلابی جامه بذل عنایت بیشتری داشته باشد.

عدم انتشار بموقع خبرنامه یا بولتن روزانه به منظور انعکاس رویدادها و تغییرات احتمالی از دیگر مشکلات سومین جشنواره بین‌المللی نمایش عروسکی بود.

کانون ملی منتقدان تئاتر ضمن اعلام حمایت از برگزاری جشنواره‌های بین‌المللی، اعطای جایزه به گروههای برگزیده را به منظور رفاهت سالم ضروری دانسته و پیشنهاد می‌کند جشنواره بین‌المللی عروسکی هر دو سال یک بار برگزار شود تا مسوولان با فرصت کافی بتوانند نسبت به برگزاری و بالا بردن سطح کیفی و کمی برنامه اقدام نمایند.

با آرزوی موفقیت روزافزون برای هنرمندان ایرانی و بخصوص دستاندرکاران تئاتر عروسکی در عرصه رفاهت‌های بین‌المللی.

کانون ملی منتقدان تئاتر

۷۰ مهر ۷۰

● بیانیه کانون ملی منتقدان تئاتر جمهوری اسلامی ایران درباره سومین جشنواره نمایش عروسکی:



نمایشهای جشنواره سوم از کیفیت مطلوب و ایده آلی برخوردار نبود!

متشکل از افرادی باشند که شایستگی لازم را از نظر تخصص، تعهد و قدرت اجرایی دارا باشند.

در یک نگاه کلی نمایشهای این جشنواره از کیفیت مطلوب و ایده آلی برخوردار نبود و نمایشهای ایرانی اغلب، قابلیت شرکت در یک جشنواره بین المللی را نداشتند و جشنواره در مجموع، و در مقایسه با سال پیش، از بضاعت کیفی نازلی برخوردار بود.

انتظار این است که این رویداد هنری، هر سال با تکیه بر تجارب گذشته افقهای تازه ای را تجربه کند و فرآیندهای تازه ای را بر تاریخ تئاتر عروسکی کشورمان رقم زند.

کانون ملی منتقدان تئاتر توجه هیأت برگزاری را به این نکته جلب می کند که در انتخاب و اجرای برنامه های نمایشهای دیگر کشورها به شذرنات اسلامی و انقلابی جامعه بذل عنایت بیشتری داشته باشد.

عدم انتشار خبرنامه یا بولتن روزانه به منظور انعکاس رویدادها و تغییرات احتمالی از دیگر مشکلات سومین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی بود.

کانون ملی منتقدان تئاتر ضمن اعلام حمایت از برگزاری جشنواره های بین المللی، اعطای جایزه به گروههای برگزیده را به منظور رقابت سالم ضروری دانسته و پیشنهاد می کند جشنواره بین المللی عروسکی هر دو سال یکبار برگزار شود تا مسؤولین با فرصت کافی بتوانند نسبت به برگزاری و بالا بردن سطح کمی و کیفی برنامه ها اقدام نمایند. ■

● تئاتر عروسکی در دهه های اخیر با کشف قابلیت های ویژه خود توانمندی های فراوانی یافته است. می رود تا جایگاه نازده ای در هنر نمایش به خود اختصاص دهد.

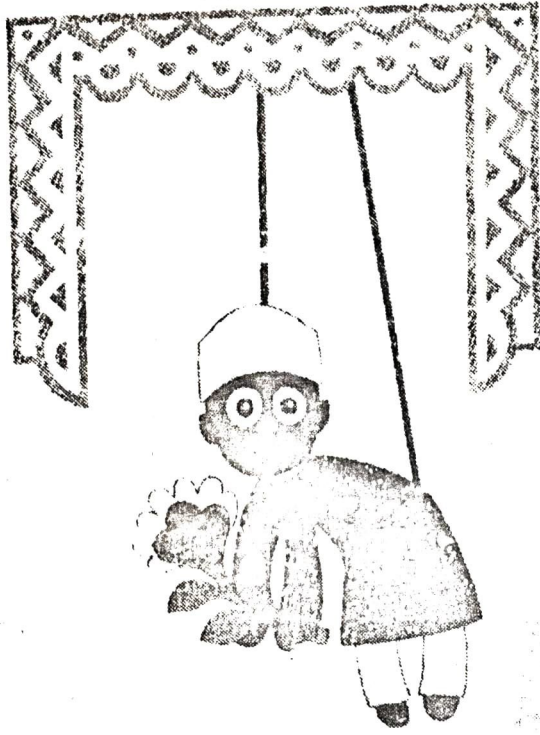
این هنر با زبان فراگیر خود، ساخت و گستره خلاقیت خویش را از حیطه محدود تئاتر کودکان به عرصه بزرگسالان کشانده و اخیراً به عنوان شاخه و شعبه ای از هنرهای نمایشی به حیات پریای خود ادامه می دهد.

برگزاری سومین جشنواره بین المللی نمایش عروسکی تهران در پی دو جشنواره پیشین گامی مثبت و ارزنده است که می تواند ضمن اعتلاء و اعتبار بخشیدن به تئاتر عروسکی و اشاعه آن در کشرمان، تداوم و تبادل تجارت هنری با هنرمندان دیگر کشورها را نیز بهبود بخشد.

برگزاری چنین جشنواره ای به لحاظ اعتبار جهانی از اهمیت و اولویت خاصی برخوردار بنا بر این شایسته است مسؤولین امر جدیت و عنایت بیشتری نسبت به این جشنواره معظوف دارند و به خصوص توجه برگزارکنندگان جشنواره ها را به این نکته اساسی جلب می کنیم تا جشنواره ها به تدریج به یک رویداد بی حاصل و به مراسمی احياناً تشریفاتی بدل نشود.

آنچه که در سومین جشنواره تئاتر عروسکی بیش از هر چیز نمود داشت عدم برنامه ریزی اصولی برای برگزاری یک جشنواره بین المللی بود. این ضعف ها به وضوح چه در انتخاب نمایشهای شرکت کننده و چه در برنامه ریزیهای جاری قابل رؤیت بود. کانون ملی منتقدان تئاتر معتقد است هیأت انتخاب و ستاد برگزاری جشنواره ها باید

هنر و بچه‌ها



از محمد رضانی



سومین جشنواره بین‌المللی عروسکی در تهران و نگاهی کوتاه به یکی از نمایشنامه‌ها

اختصاص به نمایشهای کودکان و نوجوانان داشت.

نمایشهای زیر ویژه کودکان و نوجوانان تهیه شده بود:

- هفت‌خوان رستم
- کارگردان: هماجدی‌کار
- از: ایران
- بابا بزرگ و ژرب
- کارگردان: بهروز غریب‌پور
- از: ایران

امسال نیز شهر تهران برای سومین بار شاهد برگزاری جشنواره بین‌المللی عروسکی بود. در این جشنواره که از تاریخ ۲۱ تا ۲۵ شهریور ماه به طول انجامید، گروههای نمایشی از کشورهای: ایران، لهستان، اسپانیا، هند، ژاپن، پاکستان و سوئیس شرکت داشتند. بخشی از این جشنواره، مثل سالهای گذشته

قلی خان، که در بدر دنبال نامزدش می‌گردد، از جریان خبردار می‌شود. می‌رود تا به نزدیکی محل اقامت دیو چهارشاخ می‌رسد. ابتدا با پسر دیو روبرو می‌شود. با او ستیز می‌کند و موفق به کشتن او می‌شود. بعد از او پسر دیگر دیو می‌آید. پهلوان قلی خان او را هم می‌کشد. بعد از او دیو چهارشاخ می‌آید و با دیدن جسد دو پسرش مصمم می‌شود تا پهلوان قلی خان را بکشد. اما پهلوان او را هم شکست می‌دهد و می‌کشد. بعد از دیو چهارشاخ روزه جادو می‌آید. پهلوان قلی خان او را هم می‌کشد و نامزدش را آزاد می‌کند و با او ازدواج می‌کند. اما بعد از ازدواج مشکلات اصلی پیش می‌آید. پهلوان به دنبال لوازم خانه است. لوازم در بازار گران هستند. پهلوان می‌خواهد وسائل را از تعاونی بگیرد، اما می‌فهمد که باید سالها در نوبت باشد. بین زن و شوهر اختلاف پیش می‌آید و شروع به دعوا می‌کنند. بعد از دعوا، هر دو از رفتار خرد پشیمان می‌شوند، با هم آشتی کرده به خانه‌شان می‌روند.

«جی جی بی جی»، نمایشی بود سرشار از لحظت‌های خنده‌آور و شاد. به عنوان مثال در اول هر ستیز، پهلوان قلی خان با دیدن چشمهای دیوها می‌ترسید و به مرشد قصه‌گو پناه می‌برد. اما مرشداو را دلکاری می‌داد و تئویق به نبرد می‌کرد. تا در صحنه‌های دعوای زن و شوهر، پهلوان در مقابل مشکلات زنش از نبودن لوازم خانه، حماقتی را که با آن دیوها را کشته بود، می‌آورد و شروع به زدن همسرش می‌کرد.

«جی جی بی جی»، در طول جشنواره به مدت سه روز و هر روز در دو نوبت اجرا شد و عده‌ای از کودکان و نوجوانان توانستند آن را ببینند و لذت ببرند. امید است نمایش عروسکی در گوشه و کنار کشورمان شناخته و اجرا شود تا کودکان و نوجوانان بتوانند در طول سال و در فرصتهای مناسب به تماشای این شکل نمایش بنشینند.



□ جی جی بی جی
کارگردان: مهدی فقیه
از: ایران
□ بارگاه سلیم خان
کارگردان: استاد احمد خمسه‌ای
از: ایران

□ عروسی فرخ خان
کارگردان: استاد اصغر احمدی
از: ایران

□ شیرینتر از پرواز
کارگردان: مرضیه محبوب
از: ایران

□ ولویه در اتاق
کارگردان: مریم سعادت
از: ایران

□ هدیه شاهزاده
کارگردان: مرجیودیونی
از: سوئیس

□ افسانه‌ای درباره یک ازدهای خوب
کارگردان: آندره‌یی لابتیک
از: لهستان

□ آمارسینگ راتور
کارگردان: ؟
از: هند

□ به دنبال آقای کریستوویتا
کارگردان: خولیومیچل
از: اسپانیا

□ علاءالدین و چراغ جادو
کارگردان: سعدان پیرزا
از: پاکستان

یکی از نمایشهای جالب و زیبای جشنواره، نمایش «جی جی بی جی» بود. این نمایش، یک نوع خیمه‌شب بازی به کارگردانی مهدی فقیه، از هنرمندان شیرازی بود.

جی جی بی جی

نامزد پهلوان قلی خان شاهسوندی برای گردش و هواخوری به خیابان آمده است و روزه جادو - زن دیو چهارشاخ - او را می‌بیند، گولش می‌زند و با خود به خانه می‌برد. پهلوان